

اعتصاب وسیع کارگران نساجی در شمال ایران

روزنامه شرق الاوسط:

رفسنجانی معاون خود و پنج وزیر را جهت بررسی مسائل کارگران به مازندران اعزام داشت

افزایش دستمزدها یا مقابله با مبارزه برای افزایش دستمزد

مصطفی صابر

به پایین بودن سطح دستمزدها بر پا داشتند، معمولاً بیش از متوسط اعلام شده رژیم، ۱۲ هزار تومان در ماه، دریافت می دارند. حال مساله پیشروی جمهوری اسلامی اینست که آیا کارگرانی که به افزایش ۳۳ درصدی سال گذشته اعتراض داشتند و علیه آن اعتصاب برپا کردند، به افزایشی زیر ۲۰ درصد برای سال آینده رضایت خواهند داد؟

سال آینده البته با سالی که گذشت و می توان گفت تمام سالهای عمر جمهوری اسلامی بسیار متفاوت است. با یکسان شدن نرخ ارز بهای رسمی هر دلار به بیش از ۱۵۰ تومان خواهد رسید و نتیجه آنکه تقریباً تمام کالاها و بویژه کالاهای اساسی و مورد نیاز کارگران به شدت گران خواهد شد. خود مقامات دولتی نرخ تورم رسمی را (که هر سال حدود ۲۰ درصد اعلام شد) بیش از ۳۵ درصد پیش بینی می کنند. نرخ رسمی همواره با نرخ واقعی تورم تفاوت فاحشی داشته است اما از همین نسبت بین ۲۰ و ۳۵ باید نتیجه گرفت که سال ۷۲ به مراتب گران تر خواهد بود.

در سال آینده سوسید های دولتی که عمدتاً به کالاها و خدمات مورد نیاز مردم تعلق می گرفت حذف خواهد شد و یا شدت کاهش خواهد یافت. این به معنی جدی ترین تغییرات در وضعیت معیشت کارگران طی ده سال گذشته خواهد بود. برای بسیاری ناظران اینکه چگونه کارگران ایران با وجود دستمزدهای فوق العاده نازل قادر به بقا بودند، یک معما بود. راز این معما اساساً در سوسید کالاهای اساسی قرار داشت، که هر چند در ابعادی نازل اما بهرحال در دسترس کارگران و مردم کم درآمد قرار می گرفت. سال آینده راز این معما با فقر و فلاکت بیش از پیش کارگران بر همگان معلوم خواهد شد.

برای چنین سالی، رژیم اسلامی دستمزدها را به میزانی حتی کمتر از دو سه سال اخیر افزایش داده است. نتیجه آنکه در سال ۷۲ بیش از سالهای قبل معیشت کارگران مستقیماً به مبارزه بر سر دستمزد گره می خورد. رژیم خود این اعتراضات را پیش بینی کرده و از قبل در پی چاره آن است. در پیش گرفتن شیوه "ده درصد بعلاوه مبلغ ثابت" که به زعم رژیم اسلامی قرار است از شدت اعتراض به دستمزدها بکاهد، اعتراف به همین واقعیت است.

افزایش دستمزدها برای سال ۷۲ به شیوه ای متفاوت از آنچه تاکنون در جمهوری اسلامی مرسوم بوده است، محاسبه و پرداخت خواهد شد. در چند سال اخیر معمولاً رژیم بین ۲۰ تا ۳۰ درصد افزایش برای تمام سطوح دستمزد را اعلام می کرد. اما برای سال ۷۲ رژیم اسلامی افزایش ده درصد مزد پایه، بعلاوه مبلغ ثابت ۵۰۰ ریال را مبنای محاسبه افزایش سطوح مختلف دستمزد قرار داده است.

مهمترین خاصیت این شیوه محاسبه افزایش دستمزد، اینست که درصد افزایش دستمزد برای کارگرانی که دستمزد پایین می گیرند بیش از کارگرانی خواهد بود که دستمزدهای بالایی دارند. "ده درصد بعلاوه ۵۰۰ تومان" به حداقل دستمزد روزانه که ۲۲۶۷ ریال است، مبلغ ۷۲۷ ریال یعنی بیش از ۳۰ درصد اضافه خواهد کرد. اما کارگری که ماهی ۱۵ هزار تومان می گیرد، تنها حدود ۲۰ درصد اضافه دستمزد خواهد داشت. رژیم امیدوار است که با این روش فشار اعتراضات کم درآمد تر کارگران را کاهش دهد، و در صفوف کارگران در مبارزه برای افزایش دستمزد شکاف ایجاد کند.

اما کارگرانی که سطح دستمزد پایین تری دارند، نظیر کارگران کارگاههای کوچک، نقشی تعیین کننده در مبارزه برای افزایش دستمزدها نداشته اند. کارگران کارخانه ها و مراکز صنعتی که ستون اصلی مبارزه کارگری هستند، حرف آخر را در مورد افزایش دستمزد اعلام شده برای سال آینده خواهند زد. افزایش ده درصد مزد پایه بعلاوه مبلغ ثابت ۵۰۰ ریال چه میثی برای این بخش از طبقه کارگر دارد؟

این موضوعی است که خود رژیم از پیش نگران آنست و می کوشد تا به آن پاسخ آرامش بخشی بدهد. محسن خواجه نوری معاون وزیر کار در چهارشنبه ۲۱ بهمن هنگام اعلام افزایش حداقل دستمزد گفت: "در حال حاضر متوسط دستمزد روزانه ثابت کارگران رقی معادل ۳۹۶۰ ریال است که طبق مصوبه شورای عالی کار در سال آینده بطور متوسط ۲۲/۵ درصد به مرزها اضافه می شود". واقعیت اینست که کارگران صنعتی ایران، کارگران مجتمع هایی نظیر صنعت نفت، ذوب آهن اصفهان و سازمان آب که در سال گذشته اعتراضات موفقی در اعتراض

سلام نوشت: دولت رفسنجانی تلاش دارد تا از سرایت اعتصاب به کارخانه های دیگر جلوگیری نماید. اما کارگران چیت سازی به شهر از کارگران واحدهای دیگر نظیر چوب و کاغذ سازی، نیرو و شیلات خواسته اند که به اعتراض آنها پیوندند و کارگران این کارخانه ها به این دعوت جواب مثبت داده اند. بنا به این گزارش هاشمی رفسنجانی یک هیات بلند پایه شامل معاون رئیس جمهور و ۵ وزیر کابینه خود را جهت بررسی اعتراضات کارگری به استان مازندران اعزام داشت.*

ایران در اعتراض به فساد اداری و فشارهای مذهبی دست به اعتصاب و تحصن زده اند. یکی از متحصنین به خبرنگار روزنامه سلام گفت که مبارزه آنها تا تحقق خواسته هایشان ادامه خواهد داشت. بنظر می رسد اعتصابیون که کارگران هر دو شیفت کارخانه چیت سازی به شهر را در بر می گیرد، آنگاه دست به تحصن زدن که نیروهای دولتی جهت پایان دادن به اعتصاب کارخانه را در کنترل گرفتند. روزنامه شرق الاوسط طی گزارش دیگری که در روز دهم مارس (بیستم اسفند ماه، گذشته) به چاپ رساند به نقل از روزنامه

مرکز خبری کارگر امروز: بنا به گزارش خبرنگار کارگر امروز طی اسفند ماه گذشته کارگران کارخانه چیت سازی به شهر در اعتراض به دستمزدها به اعتصابی طولانی دست زدند. تا زمان ارسال این خبر، اواخر اسفند ماه، کارگران چیت سازی به شهر علیرغم فشارهای رژیم در اعتصاب بوده اند. از سوی دیگر روزنامه سلام چاپ تهران خبر این اعتصاب را درج کرد و روزنامه "شرق الاوسط" چاپ لندن در شماره هشتم مارس ۹۳ خود به نقل از این منبع نوشت: ۴ هزار کارگر یک کارخانه نساجی در شمال

کمیته همبستگی کارگران ایران و ترکیه تشکیل شد و به کمیته بین المللی همبستگی با کارگران ایران پیوست

مرکز خبری کارگر امروز: کمیته همبستگی کارگران ایران و ترکیه تشکیل شد و به کمیته بین المللی همبستگی با کارگران ایران پیوست. این کمیته روز اول ماه مه رسماً اعلام موجودیت خواهد کرد. بیانیه اعلام موجودیت کمیته همبستگی کارگران ایران و ترکیه که از قبل در اختیار کارگر امروز قرار گرفته است را در همین شماره خواهید خواند.

انعکاس خبر تشکیل کمیته همبستگی کارگری در آلمان در یک نشریه چاپ آلمان

مرکز خبری کارگر امروز: نشریه "آریاتر کامف" (مبارزه کارگری) چاپ آلمان با درج خبر انتشار اطلاعیه کمیته همبستگی کارگری در آلمان در شماره دهم فوریه خود آدرس تماس با

اطلاعیه ایجاد کمیته همبستگی کارگران ایران و ترکیه

طبقه کارگر ایران از حقوق پایه ای خود، بخصوص حق اعتصاب و تشکل محروم است و برای دستیابی به این حقوق خویش با رژیم ارتجاعی و مذهبی حاکم بر ایران در شرایط سختی مبارزه میکند. یکی از اهداف کمیته محکوم کردن این شرایط و همبستگی با مبارزات طبقه کارگر ایران است. کمیته همبستگی با کارگران ایران و ترکیه بخاطر انجام این وظیفه و دفاع از جنبش در حال گسترش طبقه کارگر در ترکیه، اهداف زیر را دنبال میکند:

- ۱ - دادن اطلاعات متقابل از شرایط کار، زیست و مبارزات طبقه کارگر در ایران و ترکیه.
 - ۲ - انتقال متقابل تجربیات مبارزات طبقه کارگر در هر دو کشور.
 - ۳ - ایجاد همبستگی، حمایت و شرکت در مبارزات طبقه کارگر در دو کشور.
- برای پیشبرد منظم اهداف فوق این کمیته پیوستن خود به "کمیته بین المللی همبستگی با کارگران ایران" را اعلام میدارد.
- کمیته همبستگی با کارگران ایران و ترکیه هماهنگ کننده: رضا شهرستانی
۱۹۹۳/۵/۱

اسپانسورهای کارگر امروز

نهادهای: کمیته همبستگی کارگران ایران - کانادا، کمیته کارگری ایران - آمریکا، مرکز مطالعات کارگری سوسیالیستی - استوکولم، حزب کمونیست کارگری ایران، کمیته بین المللی همبستگی با کارگران ایران، نشریه انترناسیونال، نشریه دنیای کارگران، نشریه خه بات کریکار (مبارزه کارگر) - عراق، نشریه به یامی کریکار (پیام کارگر) - عراق، نشریه بلاغ العامل (پیام کارگر) - عراق، نشریه عامل الیوم (کارگر امروز به زبان کردی) - عراق، نشریه عامل الیوم (کارگر امروز به زبان عربی) - عراق، یه کیتی خه بانی کورسینزیمی کریکاری (سازمان اتحاد مبارزه کمونیسم کارگری) - عراق، نشریه سه ونجی کریکار (دیوگدا کارگر) - عراق، سازمان ره وتی کمونیست - عراق، نشریه پرولتاری - عراق، نشریه البرولیتاری - عراق، نشریه بریوشه ره - عراق، نشریه الی الامام - عراق، کمیته همبستگی با جنبش کارگری عراق، کمیته همبستگی کارگران ایران - انگلستان، کمیته همبستگی با کارگران ایران - فرانسه، کمیته همبستگی کارگران ایران و اتریش، کمیته همبستگی کارگران ایران و سوئد

این کمیته را نیز دوج کرده است. در این مطلب آمده است "تحت عنوان همبستگی کارگری اطلاعیه ای در نوامبر ۹۲ منتشر گردیده که در آن عمدتاً مطالبی درباره موقعیت کارگران ایران درج شده است. با هدف افزایش توجه و علاقه مندی به مسائل کارگران ایران و نیز پیشبرد مبارزات مشترک کارگران آلمانی و خارجی در آلمان این نشریه همکاران آلمانی و ایرانی را مشترکاً مورد خطاب قرار میدهد".

ISSN 1101-3516
کارگر امروز
نشریه انترناسیونالیستی کارگری
WORKER TODAY
An International Worker's Paper

Editor: Reza Moqaddam
شماره فاکس 52027259 - 8 (46)
آدرس
Address: W.T. Box 6278
102 34 Stockholm Sweden
پست گیزو در اسکاندیناوی
Post Giro 989012 - 0
حساب بانکی در سوئد
Bank Account: 5201 - 3306 202
S.E Banken
Stockholm, Sweden
حساب بانکی در آلمان
W.T
Giro Konto 198242
B.L.Z: 50090100
OKO BANK, 6000 Frankfurt 1
Germany
مایلیم نشریه کارگر امروز را مشترک شوم. لطفاً نشریه و صورت حساب را به آدرس زیر برایم ارسال کنید:
Mr/Ms/Institution
Address
Post code City Country
نوم پر شده را به آدرس کارگر امروز ارسال کنید.
توجه! مشترکین نشریه در آمریکا و کانادا جهت دریافت کارگر امروز با آدرس مقابل تماس بگیرند

گفت و شنود درباره جنبش کارگری ایران

Das ÖGB-Referat für Bildung, Freizeit, Kultur und die ÖGB-Frauenabteilung
INTERNATIONAL
DIALOG
im mit GewerkschafterInnen aus dem IRAN
MEHDI ARDI, SIMIN ARDI
MINA AHADI
Information und Diskussion über die Situation der ArbeitnehmerInnen im IRAN
TERMIN:
Dienstag, 27. April 1993, 18.00 Uhr
ORT:
1090 Wien, Maria-Theresien-Straße 11 (Gewerkschaftshaus - Großer Saal)

دیالوگ بین اتحادیه سراسری اتریش و کمیته همبستگی کارگران ایران و اتریش در مورد اوضاع جنبش کارگری ایران سخنرانان: مهدی آردی مینا احدی سیمین آردی

پدینوسیله از کارگران و مهاجرین ایرانی دعوت میشود که در این جلسه شرکت کنند.
کمیته همبستگی کارگران ایران و اتریش

همبستگی با کارگران ایران

و لزوم اخراج

شوراهای اسلامی از سازمان جهانی کار

اعضای سازمان جهانی کار با توضیح اهمیت حق تشکل و اعتصاب و محروم بودن کارگران ایران از این حقوق از آنها خواستار اخراج شوراهای اسلامی از این سازمان شدند. این اتحادیه همچنین طی نامه جداگانه‌ای به باب وایت رهبر کانادا (اتحادیه سراسری کارگران کانادا) از وی خواست که هنگام شرکت در کنفرانس سازمانی جهانی کار از خواست کارگران ایران برای حق تشکل و اعتصاب حمایت کند و خواستار اخراج شوراهای اسلامی از این کنفرانس شود.

حمایت تعدادی از رهبران

اتحادیه های اتریش

از کمیته همبستگی کارگران

ایران و اتریش

* سومین شماره نشریه کمیته

همبستگی کارگران ایران و

اتریش منتشر شد

* نه تن از رهبران و فعالین اتحادیه های اتریش (که در زیر نام آنها را خواهید خواند) از کمیته همبستگی کارگران ایران و اتریش حمایت کردند و اسپانسر این کمیته شدند.

۱ - ایرمگارد شمیدلایتر، معاون اتحادیه سراسری کارگران اتریش و دبیر بخش زنان اتحادیه سراسری

۲ - ادلتراد گلتلر، دبیر بخش زنان اتحادیه - وین

۳ - گرهارد نوک، دبیر اتحادیه راه آهن

۴ - والتر وایگل، معاون دبیر اتحادیه متال، معادن و انرژی

۵ - رودلف کاسکه، دبیر اتحادیه کارگران هتل، مهمانداری و خدمات شخصی

۶ - فرانس ژوزف لایکنگر، مدیر بخش تربیت و اوقات فراغت و فرهنگ اتحادیه سراسری اتریش

۷ - هانس سالموتز، دبیر اتحادیه کارمندان بخش خصوصی

۸ - آنتون پراگر، دبیر بین المللی اتحادیه کارمندان بخش خصوصی

۹ - انگرید رایشل، مدیر اتحادیه کارمندان بخش خصوصی

* سومین شماره نشریه کمیته همبستگی کارگران ایران و اتریش با مطالب زیر منتشر شد: "سند کنفدراسیون اتحادیه های آزاد در مورد ایران، اروپای واحد، کارگران خارجی، راسیسم و ناسیونالیسم - نوشته مهدی آردی"، "یک میلیون نفر به بیکاران در ایران اضافه میشود"، "زاهد منوچهری از زندان آزاد شد"، "نامه تشکر به اتحادیه سراسری کارگران اتریش و بخش زنان آن بخاطر اعتراض به دستگیری سعید سعیدی زاهد منوچهری"، "کمپانی فوست در اتریش و ذوب آهن اصفهان"، "خطر اخراج ۲۰ هزار کارگر ذوب آهن را تهدید میکند"

مجلس شورای اسلامی

قانون بازنشستگی کارگران را تغییر داد

مرکز خبری کارگر امروز: در جلسه مورخ ۱۶ اسفند ماه گذشته مجلس شورای اسلامی موادی از قانون تامین اجتماعی را که مربوط به سن و شرایط بازنشستگی کارگران است تغییر داد. در این تغییرات حداقل سن لازم برای برخورداری از بازنشستگی کاهش یافت.

تغییرات جدید مربوط به مواد ۷۲ و ۷۷ قانون تامین اجتماعی مصوب سال ۱۳۵۴ است، که به صورت یک ماده واحد به تصویب رسید: تبصره یک: کسانی که ۳۰ سال تمام کار کرده و در هر مورد حق بیمه مدت مزبور ۱۰ به سازمان پرداخته باشند در صورتی که سن مردان ۵۰ سال و سن زنان ۴۵ سال تمام باشد می توانند تقاضای مستمری بازنشستگی نمایند.

تبصره دو: افرادی که حداقل ۲۰ سال متوالی و ۲۵ سال متناوب در مناطق پد آب و هوا کار کرده و یا آنکه به کارهای سخت و زیان آور (مخل سلامتی) اشتغال داشته باشند و در هر مورد حق بیمه مدت مزبور را به میزان پرداخته باشند، در صورتی که سن مردان ۵۰ سال و سن زنان ۴۵ سال تمام باشد می توانند تقاضای مستمری بازنشستگی نمایند.

در این ماده واحد گفته شده است که کارهای سخت و زیان آور بر اساس آیین نامه مربوطه تعیین خواهد شد.

نامه اتحادیه پست لندن در کانادا به آی.آل.او

نامه اتحادیه کارگران پست کانادا، لوکال لندن، ایالت اونتاریو

۱۸ فوریه ۱۹۹۳

سازمان جهانی کار

ژنو، سوئیس

اعضای عزیز کمیته سازمان جهانی کار

این نامه را کمیته اجرایی محلی اتحادیه کارگران پست کانادا، لوکال لندن، به نیابت از کارگران ایران برایتان مینویسد.

ما، بعنوان فعالین اتحادیه ای در کانادا، اهمیت داشتن حق تشکل و حق اعتصاب قانونی کارگران برای دستیابی به شرایط کار بهتر و بهبود اقتصادی، بدون آنکه مورد تهدید اخراج، دستگیری و اعدام باشند، درک می کنیم.

کمیته اجرایی لوکال اتحادیه کارگران پست کانادا اعمال رژیم اسلامی ایران را که دخالت مستقیم در تلاشهای کارگران ایران برای متشکل شدن است، محکوم میکند. تاکتیکها و اعمال جنایت آمیزی که شوراهای اسلامی برای رخنه کردن به و درهم شکستن تلاشهای فعالین کارگری ایران برای جلوگیری از متشکل شدن بکار میگیرند محکوم است و نباید اجازه داد که این اعمال ادامه پیدا کنند.

ما مصراانه خواهانیم که سازمان جهانی کار شوراهای اسلامی را از کنفرانس سازمان جهانی کار اخراج کند، چرا که این نمایندگان در حقیقت در استخدام رژیمی جانی بمنظور نفوذ و حضور در کنفرانس این سازمان بعنوان نمایندگان کارگران ایران هستند. هدف شوراهای اسلامی مهار و مختل کردن تلاشهای کارگران ایران برای گسترش مبارزات خود جهت کسب حق تشکل و اعتصاب، در شرایطی که زندان و اعدام تهدیدشان نکند، است.

اعتراض کارگران

شهرداری کرمانشاه به

عدم پرداخت پاداش

پایان سال

مرکز خبری کارگر امروز:

کارگران شهرداری کرمانشاه و منقر با ارسال طومارهایی به اداره کار به عدم پرداخت عیدی و پاداش که معادل ۶۰ روز حقوق به کارگران مشمول قانون کار تعلق میگردد، اعتراض کردند.

مقامات شهرداری کرمانشاه به این بجهت که این کارگران شامل قانون کار نیستند و از مزایای قانون موسوم به نظام هماهنگی پرداختها که مختص کارکنان دولت است برخوردار می باشند، از پرداخت عیدی کارگران خودداری کرده اند. کارگران معترض می گویند که هنگامی که بنای مزایای قانون نظام پرداختها به میان است، کارگران شامل قانون کار عنوان می شوند و هنگامی که مزایای قانون کار مطرح می شود، آنها تابع قانون هماهنگی پرداختها محسوب می شوند.

خانه کارگر دانشجو به

خارج اعزام میکند

مرکز خبری کارگر امروز:

علیرضا محبوب دبیر کل خانه کارگر جمهوری اسلامی در ۱۲ اسفند ماه طی مصاحبه مطبوعاتی اعلام کرد که خانه کارگر تعدادی دانشجو از بین کارگران انتخاب و به کشور بنگلادش اعزام خواهد کرد.

محبوب گفت که خانه کارگر در راستای توسعه اقتصادی کشور و به منظور ارتقای تخصص کارگران متقاضی عضویت در خانه کارگر و سایر کارگران، قراردادهایی با سازمان های آموزشی کشور منعقد کرده است و هم اکنون حدود ۳ هزار دانشجو که از بین کارگران واحدهای مختلف انتخاب شده اند، در این مراکز مشغول تحصیل هستند. خانه کارگر همچنین طرحی را در مورد دانشگاه اسلامی کار جهت تصویب به وزرات کار ارائه داده است. وی افزود که از بین دانشجوین واجد شرایط کسانی جهت ادامه تحصیل در خارج کشور برگزیده شده اند و در اولین سری اعزام دو دانشجو جهت تحصیل در رشته مهندسی اعزام بنگلادش خواهند شد.

نامه های رسیده

محمد قزوینی، مهدی آردی، مریم درخشان، اسی، جلال محمود زاده، رسول باقری، هادی اکبری، صدیق جهانی، غلام قاسم نژاد، توفیق محمدی، رفوف افسایی، محمد فتاحی، فریدون ناظری، حمید از پرلین، ناصر شیشه گر، سیاوش دانشور، عبد گلپریان، رسول بنابند، زاینار، پ، بهروز خاکسار، توفیق پیرخضری، عمر نوشیروانی، یعقوب نادری، رضا قربانی، صمد، قابل وحدتی، رحمان، شیرین و غفار غلام ویسی، احمد امیری، بهزاد.

نشریات رسیده

نبرد خلق (شماره ۹۴) ارگان سازمان چریکهای فدایی خلق، نامه مردم (از شماره ۳۹۴ تا ۳۹۷) ارگان حزب توده ایران، نقد (شماره ۹)، کوردستان (شماره ۱۹۳ و ۱۹۴) ارگان کمیته مرکزی حزب دمکرات کوردستان ایران، بولتن کوردستان، میزگرد (شماره ۱۰) ماهنامه سیاسی - اجتماعی - فرهنگی، دخترهای کارگری سوسیالیستی (شماره ۱۴).

دنیای کارگران

سال دوم، شماره ۱۱، اسفند ۱۳۷۱

- به: دوستان عراقی
- اول مه ۷۲
- سندیگهای کارگری در شهر سنج
- تجارب جنبشی کارگری در کوردستان ایران
- آژیناسیون کارگری
- کارگران ترکیه و مسئله ملی
- محافل کارگری
- جنبش بیکاران: اتحادیه - مجمع عمومی
- همبستگی بین المللی کارگری



با پوزش!
در این شماره بعلت کمبود جا صفحه نامه به سردبیر حذف شد.

مراکز فروش کارگر امروز

انگلستان Book Mark 265 Seven Sisters Road Finsbury Park London N4, 2DE	اتریش - وین Karl Winter OIG Buchhandlung Landesgerichts str. 20	دانمارک Demos Butikken Elmegade 27 2300 København
فرانسه Wagram Ch. de Gaule-Etoile Paris	کوسک Karlplatz Passage Lokal 14	آلمان Zambon-Verlag Leipziger str. 24 9000 Frankfurt 90 Tel: 779223
سوئد Telegrafan 26 S-113 53 Stockholm Tel: 08-167700 Tel: 08-167022	سوئد George V 89 Ave Champs-Elysees Paris	آمریکا Tevel Gallery 18154 Sherman Way Rede, CA 91335 Tel: 818-3440494
سوئد Röda Stjärnan Vatnögatan 15 214 24 Malmö Tel: 040-920340	سوئد Klara Tips o Tobak AB Drottningatan 35 111 51 Stockholm Tel: 08-111193	آلمان Buchladen Oster str. 156 2000 Hamburg 20

1387 Westwood Blvd.
Los Angeles, CA 90024
Tel: (213)477-7477

بعد از پیروزی "تی.دی.یو" با مسائل جدید

مواجهه است

برخی از مسئولین اتحادیه از استراتژی جدید استقبال کردند. ولی بسیاری دیگر که از ران کاری دفاع نکرده بودند، از تاکتیک جدید خوششان نیامد. بحثشان این بود که اتحادیه نمیتواند در این مبارزه پیروز شود، تنها شانس اتحادیه سازش است، و اینکه ران کاری با تماس مستقیم از طریق نامه و بولتن اطلاعاتی، اتوریته مسئولین محلی را تضعیف کرده است.

تی.دی.یو در اختلافات درونی اتحادیه در رابطه با تاکتیک نقش حیاتی ایفا کرد. فعالین تی.دی.یو حول برنامه اتحادیه سراسری (درباره هدف مسئولین محلی) تبلیغ کردند، اطلاعاتی پخش کردند، امضا جمع کردند، و از حرکات اعتصابی حمایت کردند.

فعالیت مشترک اتحادیه سراسری و جنبش رفم به این کمپین کمک کرد. شرکت های کارهول از موضع خود مبنی بر استخدام کارگران غیر اتحادیه ای عقب نشستند و قرارداد جدید توسط ۹۰ درصد از کارگران مورد تصویب قرار گرفت. همزمان، مسئولین اتحادیه رانندگان کامیون که مخالف استراتژی جدید بودند مجبور شدند که پیروزی اتحادیه جدید را تأیید کنند.

جنبش رفم در قرارداد کارهول نقش حمایت آمیزی با اتحادیه سراسری ایفا کرد و در مذاکرات یوپی.اس نیز خواهد داشت. ولی در موارد دیگر، این فعالین جنبش توده های کارگر هستند که باید رهبری را بدست گیرند، بخصوص در پروسه قرارداد اتحادیه های محلی و نه اتحادیه سراسری. در هر دو مورد، اعضای تی.دی.یو باید بهترین فعالین اتحادیه در مبارزه علیه شرکت ها باشند.

مسئله آگاهی

مبارزه جویبی برای اکثر اعضای تی.دی.یو کار ساده ای است. همانطور که در بالا اشاره شد، اکثر اعضای تی.دی.یو به این سازمان پیوستند زیرا سازمان به آنها در مبارزه شان علیه شرکت ها کمک کرد.

سوال مشکل اینست که مبارزه جویبی تا کی دوام می آورد؟ مبارزه علیه کارفرما در شرایط اقتصادی کنونی کافی نیست. جهانی شدن سرمایه، افزایش رقابت بین کارگران جهان اول و سوم، نزول نرخ سود و بحران عمومی در اقتصاد آمریکا وضعیت را برای پیروزی کارگران، با درک محدود میدان نبرد، دشوار کرده است.

بعلاوه، مبارز برای حفظ شغل میتواند به این دیدگاه تبدیل شود که سایر کارگران (کارگران اتحادیه ای، غیر اتحادیه ای، کارگران نیمه وقت، کارگران فصلی، کارگران کشورهای جهان سوم و زنان) دشمن هستند. در دهه اخیر ما شاهد تلاش شرکتها برای استفاده از این نوع ابزار روحی برای ایجاد شکاف بین کارگران بوده ایم. البته، مبارزه جویبی گذشته تی.دی.یو برای مبارزاتی که در پیش است، کافی نخواهد بود. مگر اینکه مقوله مبارزه جویبی معنی وسیعتر نیاز همبستگی و آگاهی طبقاتی به خود بگیرد.

برای این جهت گیری موانع زیادی در مقابل تی.دی.یو است. از یک طرف جنبش کارگری آمریکا، چه بطور کلی و قطب بندی برای آگاهی طبقاتی در آمریکا بسیار ضعیف است. چه آمریکا خود پیش از هر وقت دیگر از طبقه کارگر دور است. این مسئله جدیدی نیست. فقط کافی است که به رابطه بین جنبش کارگری و "چپ نو" سالهای ۶۰ نگاه کنیم. مشکل بتوان یک راننده کامیون را به یک چپ آمریکایی که در بهترین حالت نسبت به مسائل کارگری دو دل است، نزدیک کرد.

از طرف دیگر، اعضای تی.دی.یو که عمدتاً شامل سفید پوستان و رانندگان کامیون مرد میشود اکثراً روحیه تبعیض گرانه دارند که چه علیه آن مبارزه میکنند.

تمام این مسائل علاوه مبارزه علیه شرکت ها سخت تر از مبارزه علیه بوروکراسی درون اتحادیه است. پیروزی های مهمی که فعالین تی.دی.یو در زمینه مبارزه برای دموکراسی در درون اتحادیه داشتند، باعث شده است که فعالین احساس قدرت بکنند. مبارزه برای دموکراسی، اخیراً به خواست

از طرف دیگر، همکاری و همفکری، از طریق آدرس زیر با ما تماس و ارتباط بگیرید.

کمیته دفاع از حقوق زنان ایران
۱۹۹۳/۲/۲۵

آدرس
P.R - KFKI
400 78 GÖTEBORG
SWEDEN

کارگران امروز

مانند "در درجه اول کارگران آمریکایی" ترویج کرده است. اتحادیه سراسری هنگام انتخابات ریاست جمهوری از "فرته اوتنتیکو ترابایو" بزرگترین فدراسیون اتحادیه های مستقل مکزیک دعوت کرد که برای یک کمپین ضد قرارداد تجارت آزاد نمایندگانی به کالیفرنیا بفرستد.

در طول دوره انتخابات ریاست جمهوری، اعضای تی.دی.یو از هر دو حزب اظهار نارضایتی کردند، و خواهان تشکیل یک حزب سوم، حزبی که سخنگوی کارگران باشد، شدند. البته اکثر اعضای تی.دی.یو از کاندیداتوری کلینتون حمایت کردند و از اینکه کلینتون موفق شد اظهار خوشحالی کردند. تا آنجاییکه به کل جمعیت آمریکا برمیگرده، اکثر ایدین اند و منتظرند ببینند آیا کلینتون به قول های خود وفادار میماند. همانطور که انتظار میرود، وقتی کابینه دموکرات ها برنامه سطحی کارگری خود را علناً اعلام کند موقعیت دیگری برای فعالیت سیاسی و مستقل فعالین تی.دی.یو وجود خواهد آمد.

توده های کارگر در تی.دی.یو کمیته ای بنام "کمیته زنان و مردم از همه نژادها" تشکیل داده اند که مسایل جنسیت و نژاد را در محل کار و اتحادیه باز کند و ایده رهبری را در میان آنها تشویق کند. وقایعی مانند محاکمه تامسون - هیل و کتک زدن رادنی کینگ در لس آنجلس علاقه مندی به مسائل برابری زنان و مردان و نژادها را مختلف را افزایش داده است. اتحادیه سراسری به نوبه خود کمیسیونی بنام کمیسیون حقوق بشر به رهبری اعضای تی.دی.یو و معاون رئیس اتحادیه سراسری، دایانا کیلموری (مصاحبه ای با وی در کارگر امروز شماره ۲۹ درج شد)، تشکیل داده است.

کمپین بعدی تی.دی.یو تجدید مذاکره بر سر قرارداد یوپی.اس است. تی.دی.یو دارای شبکه ای از فعالین یوپی.اس است که مانند اتحادیه کارهول مایلند به "گروه نبرد" کمپین های اتحادیه تبدیل شوند.

کمپین قرارداد کارگران یوپی.اس عمدتاً بر سر افزایش حقوق کارگران نیمه وقت و افزایش تعداد کارگران تمام وقت خواهد بود. اتحادیه سراسری قبلاً اعلام کرده بود که از این کمپین برای مطرح کردن مسایل وسیعتر اجتماعی درباره بیمه و کار موقت در آمریکا و نیاز ارتقا کارگرانی که در وضعیت بدتری قرار دارند استفاده خواهد کرد. مدیریت یوپی.اس مدتی است که در جلسات و پروژه های تحقیقاتی با مدیریت شرکت ها و علم کردن مقوله "رقابت" نبرد خود را آغاز کرده است.

میدان نبرد وسیعتر تی.دی.یو در آینده نه تنها پیروزی در مبارزات کوتاه مدت، برای دموکراسی در اتحادیه و مبارزه علیه مدیریت، بلکه علیرغم همه مشکلات، رشد آگاهی طبقاتی برای تضمین موفقیت در مبارزات دراز مدت است. اولین قدم، حرکت هسته اصلی فعالین تی.دی.یو در این جهت است. این هسته سپس بسطی عمومی را بین سازمان میدهد. این وظایف با احیای جنبش کارگری و یک جریان سیاسی چپ در آمریکا تسهیل میشود.

اعلامیه تشکیل

کمیته دفاع از حقوق زنان ایران

کمیته دفاع از حقوق زنان ایران توسط تعدادی از فعالین جنبش برابری زن و مرد در سوئد، در تاریخ پانزدهم فوریه تشکیل و شروع به فعالیت کرده است. این کمیته که در سوئد شروع به فعالیت کرده است، خود را جزئی از کمپین بین المللی در دفاع از حقوق زنان ایران میدانند که برای تحقق اهداف کلی زیر تلاش میکنند.

- جلب توجه افکار عمومی جامعه (سوئد) نسبت به ابعاد و اجزاء بی حقوقی زنان در ایران.

- اعمال فشار سیاسی به رژیم جمهوری اسلامی، برای جلوگیری از گسترش بیشتر سرکوب سیستماتیک زنان و تلاش برای برپید شدن فوری قوانین دولتی علیه زنان، از طریق جلب حمایت مردم و نیروهای مترقی جامعه و سازمانهای ذیربط.

- جهت اطلاع بیشتر، همکاری و همفکری، از طریق آدرس زیر با ما تماس و ارتباط بگیرید.

برگی از تاریخ

نخستین روز جشن جهانی کارگران (۱۸۹۰)

اول ماه مه در ولایت

معرفی:

دو متن زیر از کتاب "سروهای جنبش کارگری" منتشر شده از طرف کنفدراسیون اتحادیه های آلمان (د.گ.ب) ترجمه شده اند و گوشه هایی از مبارزات کارگران در شرایط متفاوت اجتماعی و تاریخی برای برگزاری جشن اول ماه مه را نشان میدهند. ترجمه این دو متن را به رفقای کمیته های همبستگی کارگری، به خاطر تلاشهای ارزنده شان در مبارزه برای حق تشکل و اعتصاب برای کارگران در ایران، تقدیم میکنم.

بهمن شفیق آوریل ۱۹۹۳

نخستین روز جشن جهانی کارگران (۱۸۹۰)

نقل از: انیلیه بادر: "یک راه سنگی، خاطرات زندگی" چاپ اشتوتگارت برلین سال ۱۹۲۱

اول ماه مه سال ۱۸۹۰ روز پنجشنبه بود، از همان اولین ساعتهای صبح میشد خانواده های کارگران را دید که در لباسهای یکشنبه به طرف دشت و صحرا می رفتند، یعنی چطور ممکن بود؟ کارگران جرات میکردند در یک روزگاری کار نکنند و سود کارفرما را کاهش بدهند؟ آنها جرات میکردند روزی را جشن بگیرند که از طرف دولت و یا کلیسا بعنوان روز تعطیل اعلام نشده بود؟

بله، البته که جرات کرده بودند با اراده خودشان یک روز تعطیل برای خود بوجود میآوردند. فقط کارگران برلین هم نبودند که با از گلیشمان درازتر کرده بودند، بلکه همه کارگران دنیا.

در کنگره بین الملل سوسیالیست در پاریس، ژوئیه سال ۱۸۸۹، همزمان با صدمین سال انقلاب کبیر فرانسه، اول ماه مه به عنوان روز جشن جهانی کار تعیین شده بود. این روز جشن به این خاطر بود که پروتاریزی تمام جهان را با احساس و فکر مشترک متحد کند. در کنگره پاریس به این نتیجه رسیده بودند که پروتاریزی در تمام کره زمین، گرچه به درجاتی تفاوت دارند، همه جا بطور یکسان تحت ستم قرار دارد و مورد استثمار واقع میشود. به همین خاطر توافق شد که در تمام کشورها مطالباتی در دفاع از کارگران طرح و در مقابل دولتها و نهادهای قانونگزاری گذاشته شود. زمان کار باید کوتاه میشد، کار کودکان ممنوع اعلام میشد و چیزهای دیگر. تازه بعد از اینها کارگر میتوانست یکبار هم به خانواده خودش برسد و بالاخره وقت پیدا کند و به تکامل معنوی خودش بپردازد. این روز جشن قرار بود علاوه بر اینها در تمام جهان جبهه متحدی در مقابل میلیتاریسم رو به قدرت ایجاد کند.

چه زیباست آگاهی بر اینکه در این روز استثمار شادگان و ستم دیدگان تمام جهان در ارتباط معنوی با یکدیگر هستند و با تمام ابزارهایی که در اختیارشان است مطالبات خود را در مقابل دولتها قرار میدهند.

و چه ترسی را این اولین روز جهانی در طبقه حاکم به راه انداخت. از این واقعیت میشد فهمید که در این روز ارتش در یادگانها به حالت آماده باش در آمد تا در صورت لزوم دخالت کند. بسیاری از ایستگاههای راه آهن هم توسط ارتش تحت حفاظت قرار گرفتند. تعدادی از روسای عاقل تر ایستگاههای راه آهن هنگامی که مورد سوال قرار گرفتند حضور نظامیان را نپذیرفته بودند. آنها خطری احساس نمیکردند و به کارگران اعتماد داشتند.

جمعیت کارگری آلمان، آزاد از فشار قانون سوسیالیستها، با شادمانی به استقبال این روز رفت. گویی آسمان هم با کارگران پیمان برقرار کرده بود، زیرا که از آن زمان تا کنون یک چنین اول ماه مه زیبایی را دیگر نداشتیم. پرتو گرم خورشید، آسمان

صاف و بدون ابر، سبزی لطیف ماه مه بر درختان و گیاهان، جوانه های سرشار از زندگی، بذرهای در حال سر بر آوردن، آواز پرندگان، خلاصه طبیعتی که مثل زندگی و نیرو و زیبایی برانسان اثر می گذاشت و نشاط و نیروی جدیدی به وجود انسان می ریخت و گویی به او یاد میداد همه چیز را بکار بگیرد تا زیباییهای جهان را برای خود و اطرافیانش فتح کند.

من در جمع انسانها عزیزی در "گروناو" بیرون رفته بودم. هنگامیکه ما از جعبه موسیقی طنین صدای ماریس یز را شنیدیم قلب همه ما به پیش افتاد. همه با سخاوتمندی به مرد نوازنده صدقه میدادند و نوازنده به یار قدیمی اش، به جعبه موسیقی میگفت: "دیدم مادر جان که من حق داشتم، این قطعه را او برای آن روز وارد جعبه کرده بود."

فقط کسی که میداند که تا زمان رفع قانون سوسیالیستها سروهای ما متنوع بودند و ما کتابهای سرود و یا کتابچه سرودها را مخفیانه بخش میکردیم، شادمانی ما را از نوای موسیقی آن نوازنده درک میکند.

پس از رسیدن به مقصد، دیگر ترانه های کارگری ما را. بطور دلخواه می خواندند. گرچه خواننده ها آموزش ندیده بودند ولی در عوض با شور تمام می خواندند. اشعار انقلابی هاینریش هاینه، فرایلی گرات و دیگران دکلیم میشدند. هر کدام از آنها این که در جشن ما بودند پیمان می بستند که از این پس بازم جدی تر برای رهایی بشریت از بیچارگی و ستم تلاش کنند. هر کدامشان میخواست که زندگی اش را در خدمت این امر مقدس قرار دهد.

این نخستین روز جشن جهانی در تمام کشور، یا حتی در تمام جهان، مثل یک رهایی اثر گذاشت و از خود عزم مبارزه و قاطعیت برجا گذاشت.

اول ماه مه در ولایت ۱۹۱۷

برگرفته از: ولفگانگ اریش: "زندگینامه پرولتری" چاپ ۱۹۷۶

سه سال بود که دیو جنگ اروپا را در می نوردید و هنوز هم پایان این خونریزی قابل مشاهده نبود. روزانه جوانان جدیدی به خدمت احضار میشدند که هنوز تقریباً در سن کودکی به سر میبردند. هیچ کس برای خاتمه دادن به این اوضاع مشقت بار به خود نمیچینید. در چنین شرایطی "جوانان سوسیالیست آزاد" تصمیم گرفت اول ماه مه را در تمام شهرهای بزرگ با تظاهرات برگزار کنند: علیه جنگ غارتگرانه امپریالیستی، برای انقلاب اجتماعی.

پاورقی: از آنجا که بسیاری از سربازان در جنگ جهانی اول از ولایت خود دور بودند و در کشورهای دیگر به سر میبردند، تپتر این نوشته باید چنین معنایی داشته باشد که برای سربازان دور از کشور حوادث را بازگو نماید. واژه ولایت به جای هیماط به کار گرفته شده - مترجم

زنده باد اتحادیه کارگران بیکار در کردستان عراق

سمکو

توضیح کارگر امروز: سمکو نویسنده کتاب "یک فعال جنبش شوراهای کردستان عراق سخن میگوید، درباره یک قیام، یک پیروزی و یک شکست" است. این کتاب که اصل آن بزبان کردی است یادداشت‌های روزانه نویسنده در جریان تشکیل و فعالیت شوراهایی است که در دل تحولات داخلی عراق پس از آتش بس با آمریکا و متحدینش شکل گرفتند. این کتاب توسط "شیرکو" به زبان فارسی ترجمه شده است.

جدا کنند و هم نانی به سفره خالیشان بیفزایند. به خاطر همه این‌ها باید به اتحادیه بیکاران کردستان عراق درود فرستاد و دست فعالین دلسوز و آگاه به منافع طبقاتشان را فشرده.

همچنین اخیرا کارگران و فعالین جنبش شورایی در تلاش جمع آوری نیروی این جنبش و اعلام موجودیت مجدد آن بوده‌اند که امید است این تلاش تاکنون به نتایج خوبی رسیده باشد چرا که نیروهای واقعی جنبش شوراهای ماه مارس غلیب‌رغم پراکندگی آن بعد از فاجعه آوارگی و مساله گرسنگی، حی و حاضر در جامعه موجود است و باز اتحادیه بیکاران کردستان گواه محکمی بر صحت این واقعیت است چرا که این اتحادیه جزئی از کل جنبش کارگری و طبقاتی در کردستان است و باید از جانب کمونیستهای کارگری و کل کارگران اعم از شاغل و بیکار مورد حمایت و پشتیبانی قرار گیرد و به سنگر محکم و پایدار کارگران برای صف آرای طبقاتی و احقاق حقوق انسانی شان تبدیل گردد.

دوستان و رفقا، اتحادیه و شورای کارگريتان را مثل مردمک چشم حفظ کنید، آن را گسترش دهید و از آن دفاع کنید، چرا که چشم امید کل انسانهای شریف و زحمتکش جامعه به شماست. و چشم امید نصف انسانهای جامعه - زنان - هم به شما دوخته شده است، زنانیکه دیگر نمیخواهند بیشتر از این آماج زخم زبان عقب ماندگی قرار گیرند و زنانیکه دیگر نمیخواهند سینه شان را گلوله ارتجاع سوراخ کند.

در خاتمه و در آستانه اول مه ۹۳ برای اتحادیه بیکاران کردستان و برای فعالین احیای جنبش شوراهای کارگری و کل حرکت کمونیسم کارگری در عراق آرزوی موفقیت میکنیم که اول مه امسال در انتظار است تا دست همه شما را در دست هم، در صفی متحد و یکپارچه و سراسری و در کنار کل طبقه جهانی کارگری ببیند.

زنده باد صف مستقل طبقه کارگر زنده باد اتحادیه بیکاران کردستان عراق

بزرگداشت لنین در کردستان عراق

کمونیسم در شرایط امروز بیانگر هراس عمیقتری از اتکا کارگران به آن و دست بردن به انقلاب اجتماعی است. همچنین در این پیام ضمن اشاره به تاکید لنین بر جایگاه تحریک سوسیالیستی کارگران، بر ضرورت ایجاد حزب کمونیست کارگری عراق تاکید شد، که مزره استقبال پر شور حاضرین قرار گرفت.

مراسم با سخنرانی کارگران، پیام هایی از کمیته شهرکها و شعر و سرود بمدت ۳ ساعت ادامه یافت و بالاخره در حالیکه بیش از ۲۰۰۰ نفر شرکت کننده یک صدا سرود انترناسیونال را می خواندند، پایان رسید.

استقبال گسترده و پرشور مردم از برگزاری مراسم، نمایندگان تلویزیونهای دولتی حکومت کردستان و همچنین نمایندگان "اتحادیه میهنی"، "حزب دمکرات کردستان عراق"، "شیوعی" و "یه ک گرتن" را هم وادار به حضور در مراسم کرد. با اینوصف آخوندها و مراجع مرجع مذهبی به انتقاد از حکومت کردستان پرداختند که چرا اجازه برگزاری چنین مراسمی را داده است.

از نشریه: انترناسیونال

اطلاعیه تشکیل اتحادیه بیکاران در کردستان (عراق)

پدیده بیکاری و مصائبش بر کارگران، ایجاد اتحادیه بیکاران را به امری واقعی و ضروری تبدیل کرد و بر این مبنی اتحادیه بیکاران در شهرهای اربیل (هولیر) و سلیمانیه ایجاد گردید.

گردهمایی هر چه بیشتر بیکاران، توافق برای جلوگیری از تکه تکه شدن تشکلهایشان و نیز سود جستن از همه امکانات و توان بیکاران ضرورت یکی شدن هر دو اتحادیه را میسر ساخت. بنابراین در ادامه تلاش مستمر اتحادیه بیکاران اربیل و سلیمانیه در جهت اتحاد و ایجاد اتحادیه بیکاران در کردستان و نیز بدنبال توافق کامل در مورد نحوه اتحاد و چگونگی هدایت اتحادیه و با در نظر گرفتن پیشنهادات هر دو طرف، بعد از سه روز مذاکره و با انتخاب ۹ نفر بعنوان کمیته رهبری در تاریخ ۱۹۹۳/۱/۸ اتحادیه بیکاران در کردستان تشکیل شد.

زنان و مردان بیکار!

اتحادیه بیکاران در کردستان با همه توان خود برای تحقق مطالبات بیکاران و مبارزه علیه بیکاری تلاش میکند. اتحادیه بیکاران در کردستان، سنگر واقعی بیکاران برای دفاع از انسان بیکار و بهتر کردن شرایط زندگی و معیشتشان است. بنابراین از همه بیکاران دعوت می کنیم این سنگر را تقویت کنند.

کارگران! بیکاری وسیله کارا و مناسبی است برای پایین آوردن سطح معیشت و خواسته‌هایتان و تعرض مستمری است که برای از دست دادن شغل‌هایتان و بیکار کردن شما اعمال میشود. بنابراین برای مقابله با این پدیده ضروری است که همراه تشکلهایتان با ما همکاری کنید.

زنده باد مبارزه بیکاران برای تامین زندگی

به پیش در جهت ایجاد اتحادیه بیکاران در همه شهر و شهرکهای کردستان

کمیته مرکزی اتحادیه بیکاران در کردستان

۱۹۹۳/۲/۱۰

پیام پشتیبانی کارگران نانوائی سلیمانیه از اتحادیه بیکاران کردستان عراق

ما جمعی از کارگران نانوائیهای شهر سلیمانیه پشتیبانی خود را از اتحادیه بیکاران شهرهای اربیل و سلیمانیه اعلام میکنیم و برایتان آرزوی موفقیت داریم. پیروزی شما که بخش بزرگی از کارگران را شامل میشود، برای خواست اصلی و پایه‌ایتان (کار یا بیمه بیکاری) پیروزی ما

نامهای از کردستان عراق

موفق باشید
جمعی از کارگران نانوائیهای سلیمانیه

جنبش بیکاران در کردستان عراق

در اینجا بخشی از نامه دوستی را می خوانید که مدتی پیش برای من (مظفر محمدی، سردبیر نشریه دنیای کارگران) نوشته است:

از نشریه: دنیای کارگران

... بعد از شکست اعتصاب کارگران مرغذاریها (دواجن) به جنبش کارگران بیکار پیوستم. اولین جلسه عمومی (مجمع عمومی) را با شرکت ۵۴ نفر در بیستم ژوئن ۹۲ تشکیل دادیم. پس از صحبت درباره مشکل بیکاری و راههای مبارزه علیه آن یک هیئت ده نفره را انتخاب کردیم که کمیته موقت اتحادیه بیکاران - هولیر (اربیل) نام گرفت. بدنبال آن اعلامیه‌ای در روزنامه‌های مختلف به چاپ رساندیم و کارگران بیکار را به پیوستن به اتحادیه فراخوان دادیم. همینطور یک دفتر دایر کردیم و شروع کردیم به اسم نویسی بیکاران و تصمیم به انتشار یک روزنامه به نام "ده‌نگی بیکاران" (صدای بیکاران)، گرفتیم که تا حالا چندین شماره آن به چاپ رسیده است.

در اجتماعات آوارگان شرکت کردیم و تلاش نمودیم تا جنبش مناطق وسیع و تا آنجا که مقدور است سراسر کردستان را در بر گیرد. به این ترتیب بود که در منطقه گرمیان کمیته "کفری" و "گلار" تشکیل شد و بدنبال چند شهرک را در بر گرفت. در این زمان تلاش برای تشکیل بیکاران در شهر سلیمانیه هم شروع شد. بعد از چندین جلسه خودشان، در آغاز ماه نوامبر با شرکت ۱۵۰ نفر کارگر اولین مجمع عمومی تشکیل شد. اگر تهدید و توطئه پلیس نبود تعداد خیلی زیادی جمع میشدند. در این مجمع پس از اینکه کارگران اخراجی کارخانه سیمان و کارخانه سیگار و چند کارگر بیکار دیگر صحبت کردند، یک هیئت ۱۱ نفره نمایندگی انتخاب شد.

فعالیت ما در میان کارگران از جمله کارگران ساختمانی، دستفروشان و کارگران اخراجی و تعدادی کارگر کارگاهها به پشتیبانی آنها از اتحادیه افزود. همچنین با وزیر کار و بهداری صحبت کردیم و بر بهبود وضعیت کارگران شاغل و تامین زندگی و کار برای کارگران بیکار تاکید کردیم. با احزاب و سازمانهای چپ ارتباط برقرار کردیم. در این روزها میخواهیم با همکاری چند پزشک داوطلب یک درمانگاه مجانی برای آزمایش و معاینه بیماران دایر کنیم. ما بیانیه‌ای به جلسه اپوزیسیون بوژوایی عراق فرستادیم (آنها نگذاشتند نمایندگی ما در جلسه‌شان حضور یابد).

چهارمین مجمع عمومی ما در یازدهم دسامبر با شرکت بیش از ۴۰۰ کارگر از کارگران اخراجی، کارگران رستورانها و غذاخوریها، کارگران ساختمانی، دستفروشان، کارگران کارگاههای کوچک و... تشکیل شد. در این مجمع فعالیت اتحادیه در مدت ۶ ماه گذشته مورد بررسی قرار گرفت، درباره برنامه و اساسنامه اتحادیه بحث و تصمیم گیری شد و ۲۱ نفر اعضای کمیته جدید انتخاب گردید.

پس از این مجمع عمومی تعداد بیشتری از کارگران به اتحادیه بیکاران روی آوردند و هم اکنون (دسامبر ۹۲) بیش از ۶۰۰ عضو دارد. تاکنون تعداد زیادی از کارگران اخراجی کارخانه سیگار، کارگران شهرداری، راه و کشاورزی شکایات و حل اختلافشان را نزد ما آورده‌اند. ما در حال گسترش اتحادیه به منطقه بادینان (شمال کردستان) هستیم. ...

من بمرور شما را در جریان کار اتحادیه و پیشرفتهایمان قرار میدهم، برنامه و اساسنامه و نشریه‌اش را برایتان میفرستم و انتظار دارم کمکهایتان را از ما دریغ نکنید.*

بقیه از صفحه ۴

نخستین روز جشن جهانی کارگران

ما هم در "هاله" خود برای یک تظاهرات اعتراضی آماده کردیم. ما میخواهیم تلاش کنیم که کارگران مسن تر را هم به ترک کارخانه‌ها و راهپیمایی در خیابانها بکشانیم.

هیچ چاپخانه‌ای پیدا نشد که اعلامیه‌ای به این مناسبت را چاپ کند. تا اینکه چند تا حرفه‌چین جوان برای این کار اعلام آمادگی کردند. یک دستگاه چاپ دستی توسط چند تا کارآموز مکانیکی ساخته شد که کار هم نیکرد. ما مجبور بودیم به کمک برس کپی تهیه کنیم. شبهای قبل از مراسم درست و حسابی اعلامیه‌ها پخش کردیم. درهای همه کارخانجات پلاکارتهایی با این مضمون بود که اول ماه مه کار را بخواهید.

ارتش در این روز به حالت آماده باش در آمد. پلیس هم در این روز بسیار عصبی بود و از صبح زود به کارخانجات مختلف تلفن میزد تا مطلع شود که آیا فراخوان به اعتصاب در کارخانجات با استقبال مواجه شده یا نه؟ متأسفانه چیزی تکان نخورد. فقط تعدادی از جوانان کار را زمین گذاشتند و روزشان را با یک گردش شروع کردند.

آراسته به آرهای سرخ قدیمی اول ماه مه به راهپیمایی در خیابانهای شهر پرداختیم. در طول زمان استراحت ناهار ما اطراف کارخانجات تظاهرات میکردیم و با حرارت در میان کارگران به تبلیغ پرداختیم. جوانان خواستیم که بعد از کار در "ژانداگر" به ما ملحق شوند تا تظاهرات بزرگتری راه بیندازیم. بالاخره آنجا ۷۰۰ نفر از جوانان جمع شدند. ما انتظار چنین جمعیتی را نداشتیم.

با صفا و با آواز انترناسیونال از میان علفزار به "براندبرگه" رفتیم. آنجا، هنگام تاریک شدن هوا رفیق کارل بکر از بالای یک درخت سخنرانی آتشینی کرد و با اشاره به انقلاب روسیه جوانان کارگر آلمان را به اقدام مشابه فراخواند.

در صفهای منظم و با مشعلهای روشن به راهپیمایی از میان "گولویتر" و خیابان "بورک" به سمت پارک مردم پرداختیم. آواز انترناسیونال با قدرت در خیابانهای رو به تاریکی طنین می‌انداخت. از مشعلها شعله قرمز بلند میشد. و چهرهای متحیر و ترسیده از میان پنجره‌ها به تماشا پرداخته بودند. پلیس سه بار تلاش کرد صف راهپیمایان را که برای آنها هم غیر منتظره بود در هم بریزد. هر بار جمعیت دوباره جمع میشدند.

هنگامیکه به فولکس پارک رسیدیم چند صد نفر از رفقای حزبی و اتحادیه‌ای را دیدیم که با همسرانشان وارفته دورهم جمع شده بودند. چون مراسمهای مجاز اول ماه مه در سالهای قبل امسال ممنوع شده بود اینها هم همه این چیزها را نادیده گرفته بودند. فقط چیزی نگفتند و ساکت ماندند، حالا پسرها و دخترهای جوان با چشهای درخشان از مبارزه جوی و چهره‌های شفاف از شور و شوق از میان پارک رژه میرفتند و سرودهای مبارزاتی میخواندند. شاید صورت بعضی از آنها به خاطر درماندگی خودشان از خجالت سرخ شده باشد. در فولکس پارک پنج دقیقه اجتماع عظیم اعتراض به جنگ غارتگرانه و برای انقلاب اجتماعی برگزار شد.

بعد از آن ما به راهپیمایی به طرف زندان "کیرش تور" پرداختیم و آنجا با شعارهای زنده باد به زندانیان سیاسی درود فرستادیم. در نزدیکی میدان "مارکت پلاتز" بود که بالاخره پلیس موقوف شد صف تظاهرات را بطور قطعی درهم بریزد و تعدادی از جوانان را دستگیر کند. تا مدتها بعد از آن شوری آرام در صفوف ما در جریان بود و هیچیک از ما این غرور آمیزترین روز، در طول جنگ را فراموش نخواهد کرد.

تظاهرات کارگران آتش نشانی بریتانیا برای افزایش دستمزد

بریتانیا،

خشونت پلیس علیه کارگران اعتصابی کارخانه تایمکس

مرکز خبری کارگر امروز:

روز ۲۲ مارس، بدنبال درگیری پلیس با کارگران اعتصابی کارخانه ساعت سازی تایمکس که قصد داشتند از ورود کارگران اعتصاب شکن به کارخانه جلوگیری کنند، ۱۲ نفر دستگیر شدند. به گزارش تایمز مالی، ۶۰۰ نفر در جلوی درب ورودی کارخانه دست به پیکت زدند و مانع ورود اتوبوس های حامل کارگرانی که برای جانشینی اعتصابیون استخدام شده اند به کارخانه بشوند. پلیس به نفع مدیریت کارخانه دخالت کرد و مردم و کارگران با پلیس درگیر شدند. به گفته ناظرین، خشونت پلیس علیه کارگران از اعتصاب کارگران چاپ در سال ۱۹۸۶ تاکنون بی سابقه بوده است.

اعتصاب کارگران کارخانه آمریکایی تایمکس در "داندی" واقع در اسکاتلند در اواخر ماه فوریه آغاز شد. مدیریت کارخانه از کارگران خواست تا انجماد دستمزد را به مدت یکسال و همچنین کاهش ۱۰ درصد

مرکز خبری کارگر امروز:

روز ۱۷ دسامبر، اتحادیه سراسری کارگران آتش نشانی بریتانیا اعلام کردند که اگر دولت به مطالبه آنها بر سر افزایش دستمزد پاسخ مثبت ندهد ۲۹ هزار کارگر آتش نشانی دست به اعتصاب سراسری خواهند زد.

به گزارش روزنامه "مورنینگ استار"، در روز ۱۷ مارس، ۲ هزار کارگر آتش نشانی که از سراسر بریتانیا آمده بودند بطرف وزارت کشور راهپیمایی کردند. آنها با تجمع خود راههای منتهی به وزارت کشور را بستند و قانون منع تجمع در یک مایلی پارلمان را عملاً زیر پا گذاشتند. خواست کارگران آتش نشانی اینست که طبق فرمولی که پس از اعتصاب سراسری سال ۱۹۷۷ به دولت تحمیل کرده اند افزایش دستمزد دریافت کنند اما دولت بر یک و نیم درصد افزایش حقوق برای کارگران و کارکنان بخش دولتی پافشاری میکند. هیئت نمایندگی کارگران آتش نشانی تحت سرپرستی "کن کامرون" دبیرکل اتحادیه

بریتانیا،

۳۰ هزار کارگر در معرض بیکاری

روز ۲۸ مارس، یکی از مقامات صنایع مهندسی گاز اعلام کرد که احتمال می رود بدلیل کاهش میزان سرمایه گذاری در این صنایع، امسال ۳۰ هزار شغل از بین برود. از زمانیکه کمپانی گاز بریتانیا در سال جاری بودجه اش را کاهش داد تاکنون ۲۰۰ شرکت مهندسی مجموعاً ۱۰ هزار کارگر را بیکار کرده اند. *

بریتانیا،

اعتصاب در اتومبیل سازی فورد

روز ۲۵ مارس، ۸۰۰۰ نفر از کارکنان کمپانی فورد در اعتراض به بیکارسازی های وسیع در این کمپانی دست به یک اعتصاب ۲۴ ساعته زدند. فراخوان اعتصاب بدنبال بی نتیجه ماندن مذاکرات میان مدیریت و اتحادیه کارمندان صورت گرفت. کارگران فورد نیز به حمایت از اعتصاب کارکنان این کمپانی رای مثبت دادند. *



درگیری کارگران کارخانه تایمکس با پلیس

کارگران راه آهن بریتانیا به اعتصاب رای دادند

مرکز خبری کارگر امروز:

روز ۲۲ مارس، اتحادیه کارگران راه آهن، "آر.ام.ت" اعلام کرد که اکثریت اعضایش به اعتصاب علیه بیکارسازی ها رای مثبت دادند.

به گزارش تایمز مالی، ۲۶۰۹۷ نفر از اعضای اتحادیه به نفع اعتصاب و ۱۰۳۱۴ نفر علیه اعتصاب رای دادند. نتایج رای گیری نشان می دهد که ۶۴ درصد کارگران خواهان اعتصاب یکروزه در دوم آوریل هستند. رئیس راه آهن دولتی بریتانیا، "باب رید" اعلام کرد که برای یافتن راهی جهت جلوگیری از اعتصاب تلاش خواهد کرد.

اعتصابات یکروزه رانندگان اتوبوس لندن

مرکز خبری کارگر امروز:

کارگران، رانندگان و کارکنان اتوبوس در لندن در روزهای ۱۰ و ۱۷ مارس دست به اعتصاب هشدار ۲۴ ساعته زدند و اعلام کردند که اعتصاب بعدی در روز دوم آوریل یعنی همزمان با اعتصاب معدنیان و کارگران راه آهن خواهد بود.

به گزارش روزنامه "ایرینینگ استاندارد"، اعتصاب های هشدار کارگران در اعتراض به برنامه کمپانی اتوبوسرانی لندن مبنی بر: ۱- کاهش دستمزد به میزان ۶۰-۳۰ پوند در هفته ۲- افزایش ساعات کار هفتگی بین ۳-۶ ساعت ۳- روزکار طولانی تر ۴- بیکار سازی ۵- کاهش حق بازنشستگی است.

مقامات اتحادیه کارگران ترانسپورت اظهار

مطالبه اتحادیه از دولت لغو تصمیم به بیکارسازیهای اجباری در راه آهن و عدم استخدام کارگر کنتراتی بجای کارگران شاغل است. اتحادیه تهدید کرد که اگر دولت به مطالبه کارگران رسیدگی نکند اعتصابات یکروزه ادامه خواهد داشت. علیرغم اینکه تنها "آر.ام.ت" یعنی اتحادیه عمده راه آهن در اعتصاب شرکت خواهد کرد اما این اعتصاب قادر است سیستم راه آهن بریتانیا را فلج کند. اعتصاب کارگران راه آهن با اعتصاب معدنیان بریتانیا که قرار است در روز دوم آوریل شروع شود همزمان خواهد بود.

داشتند که در اولین اعتصاب حدود ۹۸ درصد کارگران شرکت کردند و دست به راهپیمایی زدند. به دلیل اعتصاب اتوبوس های جنوب لندن بکلی متوقف شدند. به گفته "پیتر گیسون" دبیرکل اتحادیه کارگران ترانسپورت در بخش اتوبوسرانی لندن، در اعتصاب دوم در روز ۱۷ مارس تعداد کارگران اعتصابی و اتوبوس هائی که کار را متوقف کردند حتی بیشتر از اعتصاب قبل بود. کارگران اعتصابی طی راهپیمایی خود در لندن شعارهایی در وحدت مبارزه کارگران اتوبوسرانی و مبارزه معدنیان دادند. سومین اعتصاب کارگران اتوبوسرانی در روز دوم آوریل و همزمان با اعتصاب معدنیان علیه بسته شدن معادن بریتانیاست. *

پایین ترین سطح افزایش دستمزد در ۶ سال گذشته در ژاپن

مرکز خبری کارگر امروز:

اتحادیه های کارگری ژاپن به پایین ترین سطح افزایش دستمزد که از سال ۱۹۸۷ بی سابقه بوده است رضایت دادند.

به گزارش تایمز مالی، قرارداد دستمزد در صنایع کلیدی اتومبیل سازی، برق، کشتی سازی و فولاد ژاپن حاکی از این است که امسال افزایش دستمزد کارگران ژاپن کمتر از ۴ درصد خواهد بود. با محاسبه کاهش حق اضافه کاری و همچنین مزایایی که پرداخت می شد، افزایش دستمزد کارگران تنها ۲ درصد است.

اتحادیه کارگران برق با افزایش ۳/۶ درصد

در حقوق پایه یعنی ۱/۸ درصد پایین تر از افزایش دستمزدشان در سال گذشته موفق کردند. کارگران فولاد به ۲/۶ درصد افزایش دستمزد که پایین ترین سطح افزایش دستمزد در چهار سال اخیر در این صنعت است تن دادند. در کمپانی اتومبیل سازی تویوتا دستمزد کارگران ۳/۸ درصد افزایش خواهد یافت که سطح نازل آن از سال ۱۹۸۷ تاکنون در این کمپانی بی سابقه است. در صنایع ماشین آلات سنگین و کشتی سازی هنوز قرارداد رسمی به امضا نرسیده است اما صحبت بر سر افزایش دستمزد بالاتر از ۴ درصد است. *

تغییر در سنت های بازار کار ژاپن

مرکز خبری کارگر امروز:

شرکت "ان تی تی"، غول ارتباطات و مخابرات ژاپن اعلام کرد که ۳۰ هزار نفر از کارکنان خود را در ظرف سه سال آتی اخراج خواهد کرد. همزمان کمپانی نیشان نیز اعلام کرد که ۱۰ درصد از ۵۴ هزار کارگر این شرکت ظرف چهار سال آینده اخراج خواهند شد.

به گزارش هفته نامه لیبراسیون، رکود اقتصادی که دولت ژاپن به کمک سرمایه گذاری های گسترده قصد مهار آنرا دارد در حال "غربی کردن" مناسبات کار در کشوری است که بنگاه هایش ادعا میکردند "حامی" مزه بگیران خود هستند. دولت و سه شرکت عظیم کشور پروژه ای را برای متوقف کردن عمیق ترین بحرانی که ژاپن پس از جنگ جهانی دوم به آن دچار گردیده به اجرا درآوردند.

کاهش روزهای اعتصاب در بریتانیا

حالی که در سال ۱۹۹۰، ۸۳ روز و در سال ۱۹۸۴، ۱۲۷۸ روز کار انجام شده است. متوسط روزهای از بین رفته بین سالهای ۱۹۹۱-۱۹۸۷ برای هر هزار نفر شاغل ۱۲۶ روز است. این آمار نشان می دهد که روزهای اعتصاب از سالهای ۱۹۸۶-۱۹۸۲ که اوج اعتصابات در بریتانیا بود تاکنون ۷۰ درصد نزول کرده است. *

به گزارش اخیر "جامعه اروپا" در بریتانیا تعداد روزهایی که به دلیل اعتصاب کارگران کار تعطیل شده شدت کاهش یافته است. این گزارش حاکی است که در سال ۱۹۹۱، در ازای هر هزار کارکن تنها ۳۴ روز کار به دلیل اعتصاب تعطیل شده است در

بیکاری در آمریکای جنوبی

مرکز خبری کارگر امروز:

یکی از نمایندگان "فدراسیون جهانی سندیکالیست ها" اعلام کرد که بیش از نیمی از نیروی کار در آمریکای لاتین بیکار است و چهار میلیون نفر از این بیکاران در فقر مطلق پسر می برند.

به گزارش هفته نامه اسپانیولی زبان لیبراسیون، "خولیو ریس آلوارس" به خبرنگار نشریه "آل دیا" گفت که در جستجوی راه حلی برای دخالت کارگران از زاویه مطالبات تاریخی طبقه در سیاست توسعه هر کشور است. وی افزود که در حال حاضر نیاز عاجلی برای افزایش قدرت خرید کارگران و بهبود سطح معیشت مردم وجود دارد. او همچنین اعلام کرد که قرار است در ماه ژوئن کنفرانسی در مورد مبارزات تازه سندیکالیسم آمریکای لاتین در مکزیکوسیستی برگزار شود. *

هلند،

بیکاری در کمپانی هواپیماسازی

"فوکر" کمپانی هواپیماسازی هلندی تعداد ۲۱۱۸ نفر از ۱۲۵۰۰ نفر نیروی کارش را بیکار خواهد کرد. این کمپانی قصد دارد دستمزد مابقی کارگران را نیز منجمد کند. *

اعتصابات و تظاهرات فلزکاران آلمان

قرارداد مزبور باقی نگذاشته است. رهبر اتحادیه فلزکاران آلمان، "اشتاین کولر" قبلاً از کودتای کارفرماها غلیبه "استقلال تعرفه" (قانون انعقاد قراردادهای دستجمعی) صحبت کرد و اتحادیه اعلام داشت که از اول آوریل اعتصابات اختطاری را شروع خواهد کرد. در این روز ۳۲۱ کارخانه در استان های براندنبورگ، ساکسن و تورینگن در اعتصاب شرکت داشتند. مرکز ثقل آکسیون استان ساکسن بود، جاتیکه ۵۰ هزار کارگر فلزکار در ۱۴۰ کارخانه کار را تعطیل کردند. اتحادیه اعلام کرد که زمانی

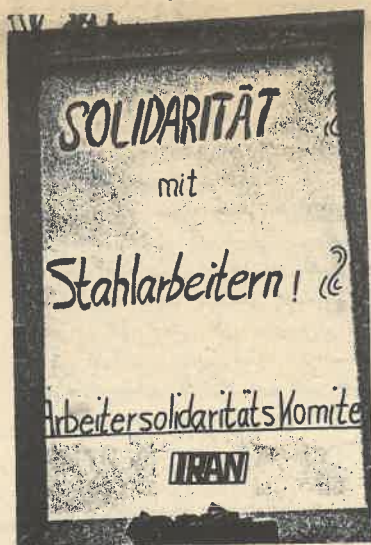


وحدت کارگران شرق و غرب برای کار - آزادی - سوسیالیسم

پیام کمیته همبستگی کارگری در آلمان به کارگران کروپ در راین هاوزن

و کنسرن ها مقابله شود، مبارزه مشترک همه کارگران نه فقط در صنایع فولاد در شرق و غرب، بلکه در رشته های دیگر مثل معادن و اتومبیل سازی لازم است. ما با این پیام، همبستگی خود را با شما اعلام می کنیم و یک مبارزه سراسری و موفق برایتان آرزو می کنیم.

کمیته همبستگی کارگری
آلمان



پلاکاردی از کمیته همبستگی کارگری در آلمان در تظاهرات بن

تظاهرات صد هزار نفره کارگران فلز در بن

کارگران فولاد خشمگین از حکومت و کارفرماها

رضا پایا

آکسیونهای کارگران فولاد که از چند هفته پیش در تمام مناطق تولید فولاد غرب و شرق آلمان علیه طرحهای بیکارسازی مراکز تولید فولاد صورت گرفته بود، با تظاهرات سراسری روز ۲۶ مارس با عنوان "مارش بسمت بن" به نقطه اوج خود رسید. از اوائل صبح روز جمعه ۲ هزار کارگر فولاد منطقه روهر که پس از طی بیش از ۱۷۵ کیلومتر پیاده و ۵۵ ساعت راهپیمایی و خیابانها کارگران دسته دسته بسمت پارک (هوف گارتن) در حرکت بودند. گروههای و پیوستن فولادکاران در هر شهر به آنها به شهر بن رسیده بودند، پایتخت آلمان حال و هوای دیگری داشت. در تمام مسیرهای شهر

بقیه در صفحه ۱۰

کارگران فولاد آلمان به دروازه های ۳۲ ساعت کار در هفته رسیده اند!

از نشریه: پرچم سرخ، چاپ آلمان
ترجمه: رضا پایا

متن خلاصه شده سخنرانی هوبرت هده بوو، دبیر شورای کارخانه فولاد "کوکریل سامبرو" بلژیک برای اعلام همبستگی با کارگران فولاد آلمان در آکسیون کارگران فولاد روز ۴ مارس در دویسبورگ و در برابر کارگران فولاد راین هاوزن

من بسیار خوشوقتم که میتوانم به کارگران فولاد آلمان تبریک بگویم که بعنوان اولین کارگران اروپایی بودند که برای ۳۵ ساعت کار هفتگی با دستمزد کامل مبارزه کردند و به این ترتیب به دروازه های ۳۲ ساعت کار در هفته رسیده اند. من هم چنین به کارگران راین هاون که با مبارزه خود در ۵ سال پیش از بستن کارخانه فولاد راین هاوزن جلوگیری کردند، تهنیت میگویم ... در بلژیک هم ما با تهدید اخراج و بستن مراکز فولاد و بیکارسازیهای وسیع روزیرو هستیم. بگفته روسای سیدمار (یک کنسرو فولاد بلژیکی) از هر دو محل کار، یکی باید نابود شوند. نوری که ما می بایستی در انتهای تونل نگه داریم، در حقیقت قطار سریع السیری است که همه ما را زیر خواهد گرفت. و این همه آن چیزی است که

سرمایه داری به ما عرضه میکند. درگیری و نیش زدن، رقیب یکدیگر بودن، به خود ضربه زدن، برای چه؟ سرمایه داران میخواهند سود خود را از گرده کارگران و نیز از گرده تمام جامعه بیرون بکشند. کاپیتالیسم بعد از سقوط سیستم شرق، فریاد "پیروزی" برکشید، دو سال بعد آنها فریاد استمداد و طلب کمک برآورده اند، چرا که تعادل واردات آنها از طریق شرق بهم ریخته است. این چه تفاوتی است که تنها توسط یک درصد، تولید فولاد اروپا بهم خورده و نابود شده است؟ آنها هیچ چشم اندازی برای عرضه ندارند و بنابراین به ایده هایی از مقعد تاریخ رجوع کرده اند. منظور من ناسیونالیسم است! در بلژیک از سال ۱۹۷۵ به این طرف ۵۷ درصد، محلهای کار در صنایع فولاد را از بین برده اند و این یعنی ۳۵ هزار از ۶۰ هزار محل کار آلمان! علاوه بر آن ۱۵ هزار محل کار در ذغال سنگ نابود شده است. آنها سعی کرده اند که بین "فلامن ها" و "والونها" (دو قوم ساکن در بلژیک) رقابت ایجاد کنند. فولاد در منطقه والون است و ذغال سنگ در فلاتر. در همان زمان کنسرنها زمینیه ایجاد یک ادغام بین کنسرن فلامی سیدمار و کنسرن والونی کوکریل - سامبرو را فراهم می ساختند. امروز باردیگر کوکریل - سامبرو ۱۵۰۰

محل کار را از بین برده است و کسی از ادغام حرفی بمیان نمی آورد. روزنامه های ما عکسی از اعتصاب شما منتشر کرده اند که این راه حل در زیر آن عنوان شده است. "تو ذغال آلمانی و فولاد آلمانی را لازم داری"، اما حرفی از این نمی زند که سومین بارون بزرگ فولاد آلمان، اوزینور میباشند و فولاد زارلند به کنسرن اوزینور وابسته است.

کنسرن کروپ از یک "طرح مشترک" با توسن، برای نجات فولاد زیگن و هاگن حرف میزند. در همان زمان کروپ، کنسرن فرانسوی اوزینور و کنسرن لوکزامبورگی آرید برای ایجاد یک کارتل سیم فولاد و پروفیل مذاکره میکنند. مانسمان، در سطح اروپا یک کارتل فولاد بدون مرز بوجود آورده است. کنسرن ایتالیایی ریوا، تولیدات سیم فولادی ما را دریافت می کند و نیز دو کارخانه در شرق آلمان خریداری و بکار انداخته است. می بینید که چگونه هیچ رقابتی بین کروپ، و هس و سایر کنسرنها وجود ندارد....

بنابراین همانطور که هیچ رقابتی بین کارگران کروپ و هس وجود ندارد، نایستی رقابتی بین کارگران فولاد آلمانی و بلژیکی و غیره وجود داشته باشد. بیایید همه با هم برای ۳۲ ساعت کار در هفته با مزد کامل مبارزه کنیم.



راین هاوزن ۱۹۸۲، پیروزی راین هاوزن ۱۹۹۳ ؟

بهرور خاکسار، مارس ۹۳

وحشتناکی برای زندگی کارگران در سالهای آتی در حال نوشته شدن است. در کارخانه های عظیم اتومبیل سازی فولکس واگن و بنز کار نیمه وقت معمول گشته، بسیاری از کارخانجات فولاد بسته می شوند و یا در صد بیکارسازیهای وسیع هستند. عظیم ترین کارخانه کامپیوتری اروپا ۹ هزار شاغل خود را اخراج می کند. بیش از ۵۰۰ هزار شغل در غرب آلمان و ۱۰۰ هزار در شرق آلمان دیگر نمی توانند نجات پیدا کنند. در پایان امسال فقط در آلمان بیش از ۴ میلیون بیکار وجود خواهد داشت و بیش از ۲ میلیون نفر کار نیمه وقت می کنند. کارگران اولین قربانیان این وضعیت خواهند بود. درصد بالای بیکاری حکایت از اوضاعی سخت برای مبارزه کارگری می کند.

مسئله آلمان متحد، چگونگی رساندن وضع اقتصادی شرق آلمان به حد غرب آن، وضعیت احزاب سیاسی و آکترناتیوهای واقعی برای برون رفت از این وضعیت، آنچه ناروشن است که علیرغم غیرمحبوب شدن ائتلاف دمکرات مسیحی - لیبرال حاکم در آلمان، حزب سوسیال دمکرات نیز در اپوزیسیون از وضعیت چندان خوبی برخوردار نیست. تمامی نیروهای سیاسی سرمایه داری چه در حکومت و چه در

اپوزیسیون علنا و مخفیانه دست به دست هم داده اند که در این اوضاع مبهم و دشوار بتوانند راه حل هائی بیابند. از جمله توافق اپوزیسیون و دولت در مورد "عهدنامه همبستگی"، چگونگی کمک مالی به شرق آلمان و یا مسئله پناهندگی. مطمئنا در این متن عمومی مبارزه کارگران راین هاوزن بسیار دشوارتر از سال ۱۹۸۷ خواهد بود.

چو درونی شکل های کارگری آلمان، اتحادیه متال و کارگران کارخانه راین هاوزن مبارزه جویانه است. کارگران بدون مبارزه حاضر به از دست دادن شغل هایشان نیستند. رئیس اتحادیه کارگران فولاد آلمان از ایستادگی و مقاومت و حمایت همه جانبه کارگران صحبت می کند. امکان حمایت همه جانبه از مبارزه کارگران بسیار زیاد است. خاطره اعتصاب پرشکوه ۱۶۰ روزه در اذهان عمومی و کارگران راین هاوزن هنوز زنده است. جامعه در مقابل سوال اساسی چگونگی حل بحران اقتصادی حساس شده و اینها همه اوضاعی دشوار از لحاظ عمومی ولی بهتر برای مبارزه کارگری وسیع بوجود آورده است. از اول آوریل اعتصابات کارگری به رهبری اتحادیه فلزکاران در شرق آلمان ترتیب داده شده است زیرا کارفرماها از تعهدشان برای بالا بردن حقوق ها در شرق آلمان و نزدیک کردن آن به سطح دستمزدها در غرب آلمان خودداری کرده اند.

سال ۹۳، سالی کلیدی برای مبارزه، جنبش و آکترناتیو کارگری در اروپا و بویژه آلمان است. سالی که قدرت اتحادیه های کارگری در آلمان سنگ محک زده می شود و بالطبع مبارزه کارگران کارخانه راین هاوزن در صدر این مبارزات خواهد بود.*

دوم آوریل، روز اعتصاب کارگران اروپا علیه بیکاری



موفق ارزیابی کرد. این سومین اعتصاب کارگران اتوبوس های لندن نیز با اعتصابشان عبور و مرور را در این شهر طولانی کردن ساعات کار بود.

ایتالیا،

اعتصاب عمومی

روز ۲ آوریل، به فراخوان سه فدراسیون اتحادیه کارگری ایتالیا، کارگران در سراسر این کشور به مدت ۴ ساعت دست از کار کشیدند و طی تظاهرات های خیابانی از دولت خواستند تا بیکارسازی ها را متوقف کند. به گزارش تایمزمالی، این اعتصاب یازدهمین اعتصاب سراسری طی ۱۲ سال گذشته در این کشور بود. اعتصاب که اساسا خدمات عمومی را در کشور مختل کرد با تظاهرات های خیابانی همراه بود و در برخی نقاط به درگیری های خشونت آمیز کشیده شد.

بنا به گزارش روزنامه گاردین، با اعتصاب عمومی کار در کارخانه ها، مدارس، فرودگاه ها مختل شد و با شرکت کارگران و مسائل نقلیه عمومی در اعتصاب عبور و مرور نیز راکد شد. در شهرهای مختلف ایتالیا، اعتصابیون علیه سیاست های

اقتصادی دولت که به گفته آنها در واقع "مجازات" بیکاران و کم درآمد هاست دست به اعتراض و تظاهرات زدند. در گردهمایی در شهر میلان ۷۰ هزار نفر شرکت کردند. از ماه نوامبر گذشته تاکنون ۲۰۰ هزار نفر در ایتالیا بیکار شدند و در حال حاضر نرخ بیکاری در این کشور ۱۱ درصد نیروی کار است. این اعتصاب عمومی کارگران ایتالیا بعنوان بخشی از کمپین یک روز اعتراض عمومی علیه بیکاری در اروپا صورت گرفت. در یک گردهمایی اتحادیه های کارگری که بیش از ۳۰ هزار نفر شرکت کردند، رهبران اتحادیه اعلام نمودند که سیاست های دولت حمله به دموکراسی و کارگران است و کارگران به هر قیمت در مقابل آن مقاومت خواهند کرد.

بریتانیا،

اعتصاب معدنیچیان، کارگران راه آهن و اتوبوس های لندن

روز دوم آوریل، کارگران راه آهن، معدنیچیان و کارگران اتوبوس های لندن

کارگران لبنان:

کارگر فولاد:

ما باید تصمیم راسخ خود را نشان دهیم

آقایان وزیران، گرسنگی به کسی رحم نمیکنند!

از نشریه لبنانی: الحیات

ترجمه: احمد معین و فرهاد

اتحادیه کارگران بیروت کلیه کارگران این بندر را برای گسترش اعتراضاتشان و اعلام اعتصاب عمومی فرا خواندند.

روز ۳ مارس، اتحادیه بندر طی اعلامیه ای از کارگران خواست که فریب سخنان مسئولین دولتی را نخورند و به سر کار برنگردند. یک روز قبل کارگران بندر بیروت دست از کار کشیدند و طبق فراخوان اتحادیه از روز ۳ مارس اعتصاب عمومی کردند. همزمان با اعلام اعتصاب، انطون بشارت دبیرکل اتحادیه سراسری کارگران لبنان و دبیرکل اتحادیه کارگران بندر بیروت در یک کنفرانس مطبوعاتی گفت: ما چندی قبل برای یافتن راه حل مشکلات و تحقق خواسته هایمان با مسئولین دولتی بحث کردیم اما آنها بجز وعده و وعید و بهانه آوردن جوابی به ما ندادند. آخرین جواب پارلمان این بود که ما با فشار اعتصاب حاضر به قبول گفتگو با کارگران نیستیم. او در ادامه سخنانش گفت: ما بنا به قول های رئیس جمهور و ریاست وزیران کشور اعتصاب را متوقف کردیم. این هم بیهوده بود. اما گرسنگی و کمبود ما را به تنگ آورده است و بیش از این نمی توانیم چشم انتظار وعده های آنها باشیم. آقایان وزیران گرسنگی به کسی رحم نمی کنند. امروز ۶۰ درصد کارگران بندر دستمزدها را بیشتر از

آن زمان هم تقریباً به زمین مان زده بودند. ولی ما موقتاً شش ماهه ده سال دیگر کارهایمان را حفظ کنیم. س: آیا شما هم طرفدار کنفرانس ملی فولاد هستید؟ ج: بله. آن بالاها باید تصمیم گرفته شود. اصلاً ماجرا باید در بروکسل بررسی شود. چرا که الان فولاد را از کشورهای شوری سابق به قیمت خیلی ارزان میتوانند وارد کنند. آنجا حقوق کارگران خیلی کمتر است. باید فکری برای این مسائل بشود.

س: در این کنفرانس چه تصمیماتی باید گرفته شود، باید چه برنامه ریزی هایی بشود؟

ج: باید شغل های ما حفظ شود. برای اینکه ما نه آنقدر پیر هستیم که باز نشسته بشویم، نه آنقدر جوان هستیم که شغل جدید پیدا کنیم. با حدود چهل سال، دیگر برای ما از کار خبری نیست. تازه مسئله فقط ما نیستیم. کودکان ما هم تامین نیستند.

س: این مبارزه چطور باید ادامه پیدا کند؟ ج: فقط میدانم که باید ادامه داشته باشد. آنقدر باید فعالیت کنیم تا بالایی ها درس بگیرند.

س: موفق باشید

۱۶۰ هزار لیر نیست. اینها بیش از ۲۰ سال و برخی بیش از ۳۰ سال سابقه کار دارند. خوب آیا باید از این هم بیشتر چشم انتظار بود؟ ما مجدداً خواسته های خودمان را در اینجا اعلام می کنیم که عبارتند از: ۱- دایر کردن داروخانه ۲- تأسیس صندوق خدمات اجتماعی و تخصیص ۱۰ میلیون لیر سالانه برای این صندوق. علاوه بر اینها مطالباتی که در روز ۹ فوریه اعلام کردیم و مهمترین آنها عبارت بودند از: ۱- افزایش دستمزد و ترفیعات سابقه کار و مهارت ۲- اجرای قانون شماره هشت ۳- اجرای آن تغییراتی که مطابق قانون ۱۶۱ در رابطه با بازنشستگی باید انجام شود ۴- هماهنگی کردن و همزمان کردن ساعات کار ۵- بررسی مجدد و مسئله حساب کردن اضافه کاری مطابق قانون کار لبنان ۶- پذیرش بیمه های اجتماعی برای خانواده هایی که مشمول بیمه های اجتماعی هستند ۷- تامین وسائل ایمنی لازم برای بندر که سلامتی کارگران را تامین نماید ۸- حساب کردن مدت بیماری کارگران بدون کسر حقوق آنها. او در خاتمه سخنانش تهدید کرد که اگر به خواسته هایمان جواب مثبت داده نشود ما تمام کارگران را به اعتصاب سراسری و عمومی فرا می خوانیم.

بر این اساس اعتصاب از روز ۳ مارس آغاز شد و کار در سراسر بندر بیروت را فلج کرد. اعتصاب کارگران بیروت روزانه

آن زمان هم تقریباً به زمین مان زده بودند. ولی ما موقتاً شش ماهه ده سال دیگر کارهایمان را حفظ کنیم.

س: آیا شما هم طرفدار کنفرانس ملی فولاد هستید؟

ج: بله. آن بالاها باید تصمیم گرفته شود. اصلاً ماجرا باید در بروکسل بررسی شود. چرا که الان فولاد را از کشورهای شوری سابق به قیمت خیلی ارزان میتوانند وارد کنند. آنجا حقوق کارگران خیلی کمتر است. باید فکری برای این مسائل بشود.

س: در این کنفرانس چه تصمیماتی باید گرفته شود، باید چه برنامه ریزی هایی بشود؟

ج: باید شغل های ما حفظ شود. برای اینکه ما نه آنقدر پیر هستیم که باز نشسته بشویم، نه آنقدر جوان هستیم که شغل جدید پیدا کنیم. با حدود چهل سال، دیگر برای ما از کار خبری نیست. تازه مسئله فقط ما نیستیم. کودکان ما هم تامین نیستند.

س: این مبارزه چطور باید ادامه پیدا کند؟ ج: فقط میدانم که باید ادامه داشته باشد. آنقدر باید فعالیت کنیم تا بالایی ها درس بگیرند.

س: موفق باشید

۱۰ میلیون لیر به دولت لبنان ضرر می رساند. همزمان با شروع این اعتصاب، اتحادیه کارگران حمل و نقل دریایی برای اعلام پشتیبانی با کارگران بندر اعلام اعتصاب سراسری کردند. اتحادیه "موسوم و مصالح و موسسات عمومی" نیز مجمع عمومی فوری تشکیل داد و در پایان این مجمع پشتیبانی خود را از اعتصاب کارگران بندر اعلام کرد.

پاسخ دولت به این اعتصاب این بود که ابتدا باید اعتصاب را تمام کنید تا بعداً مذاکرات را با شما آغاز کنیم. در ادامه این اعتصاب در روز ۸ مارس، انطون بشارت در مقابل مسئول دارائی لبنان پرده از روی فساد و دزدی مسئولین و ادارات بندر برداشت و در همان روز کمیته اجرائی اتحادیه کارگران لبنان جلسه ای جهت بحث در مورد آخرین مسائل گسترش و کشمکش کارگران و دولت لبنان تشکیل داد. نخست وزیر و هیئت وزرای کشور نیز جلسه ای در مورد اعتصاب فراخواندند. مطبوعات لبنان پیش بینی می کنند که کشمکش کارگران و دولت شدیدتر خواهد شد. انطون بشارت در مراسمی که در شهر "صیدا" برگزار شد به دولت شدیداً حمله کرد و کارگران را برای رویارویی با احتکار و گرانی و سیاست های دولت در زمینه مالیات - که تنها زندگی کارگران را مورد مخاطره قرار می دهد - فرا خواند.

جانب سندیکا هم مرتباً گفته میشود باید مقابله کرد. ولی عملاً اتفاقی نمی افتد.

س: آیا شما هم مورد تهدید بیکاری هستید؟

ج: بله تا بحال در کارخانه ما از ۸۰۰ نفر ۱۵۰ نفر بیکار شده اند. با بیکار کردن این نسل از کارگران اینطور نیست که فقط همین ها لطمه بخورند. وقتی این ها باندازه لازم بیمه بیکاری و بیمه بازنشستگی نپردازند، نسل بعدی هم دچار مسائل اجتماعی جدی تری خواهد شد. باید یک طرح اساسی از بالا مطرح شود. نباید گذاشت راین هاوزن از بین برود. باید سوال کرد که آیا اگر چند ده هزار کارگر فولاد اخراج شوند، تمام مسائل حل خواهد شد؟ بطور قطع نه! مسئله اینست.

س: زمانی که رئیس سندیکا، اشتاین کولر سخنرانی می کرد صدای اعتراض عده ای از کارگران بلند بود، شما چه فکر میکنید؟

ج: معلوم است. خیلی ها با سیاستهای رهبران سندیکای فلز موافق نیستند. از طرف آنها هم خیلی دیر اقدام شد. ما ۱۰ سال پیش هم همینجا بودیم. بعدش ماجرا فروکش کرد. ولی هیچوقت تمام نشد. آنها، رهبران سندیکا مسئله را انطور که بود درک نکردند و کار به اینجا کشید.

پروین ثقفی

تظاهرات زنجیره ای بیش از دو هزار کارگر فنر که در اعتراض به بیکارسازی ها در صنایع فولاد و تحت نام "مارش آتش تا بن" از نیمه شب سه شنبه ۲۳ مارس آغاز شده بود، روز جمعه ۲۶ مارس در شهر بن پایان یافت. کارگرانی که بیش از ۱۷۵ کیلومتر را به یاری هم پیاده طی کرده بودند، در میتینگ پایانی تظاهراتشان مورد استقبال متجاوز از ۸۰ هزار تن از همکاران شان از سراسر آلمان قرار گرفتند. رهبر سندیکای فنر استینشدر در میتینگ روز جمعه ضمن محکوم کردن سیاست دولت و صاحبان سرمایه و کنسرنها اعلام کرد که: "برای ما صنایع فولاد آینده دارد. ما نمی گذاریم روسای کنسرنها به تنهایی تصمیم بگیرند و کارگران را پس بزنند. باید صاحبان سرمایه یاد بگیرند که آنها تنها در مقابل سهامداران شرکتهایشان مسئول نیستند، بلکه باید پاسخگوی جامعه و انسانهایی باشند که آینده، شغل و رویاهایشان به بازی گرفته میشود.

او در پاسخ به هلموت کهل که مطرح کرده "در حالی که در شرق آلمان هزاران کارگر بیکار میشوند، این قیل و قال ها بیجاست." گفت: "ما در آینده بلندتر فریاد خواهیم زد و نمی گذاریم که تمایلات کارگران در شرق و غرب در مقابل هم قرار بگیرند."

او ادامه داد: "سندیکا ها رسوم جا افتاده ای دارند. خیلی ها فکر میکنند این رسوم کهنه شده اند. این سنت ها یعنی آمادگی و توانایی مبارزه، تحقیر را تحمل نکردن، دعوا بر سر حق و حقوق، سرنوشت خود را در دست گرفتن. یکی دیگر از این رسوم هم همبستگی است. همبستگی یکی از شئون کار است. ما بنا را بر مبارزه در شرق آلمان و همبستگی در غرب آلمان خواهیم گذاشت."

او در انتها خواهان اقدام برای حفظ مشاغل با تلاش برای پیدا کردن یک طرح ملی و سراسری برای صنایع فولاد شد.

در طول سخنرانی وی صدای اعتراض از جانب تعداد قابل توجهی از کارگران بلند بود. آنها با سوت و با فریاد سعی داشتند جلوی سخنرانی او را بگیرند.

در حاشیه میتینگ روز جمعه کارگران طی مصاحبه های کوتاهی نظرات خود را درباره بیکارسازیها و راههای مقابله با آن بیان کردند.

کارگاه امروز

شوراهای اسلامی

مانع مبارزه برای افزایش دستمزدها هستند

شهرام یوسفی از فعالین جنبش کارگری ایران است که چندی قبل به خارج کشور آمده است. شهلا دانشفر از همکاران کارگر امروز درباره مسائل جنبش کارگری ایران گفتگویی انجام داده است که بخشهایی از آنرا خواهید خواند.

جنبش کارگری در هر مقطع با ویژگی هایش مشخص میشود. بنظر شما امروز در جنبش کارگری چه چیزهای بیش از همه برجستگی دارد؟

اکنون در ایران با توجه به اوضاع بد اقتصادی، تولید خوابیده و رکود حاکم است. در نتیجه جو بدی حاکم شده و حالتی از انتظار و سردرگمی بوجود آمده است. کارگر نگران بازخرید شدن و اخراج از کارش است و شرایط برای سرمایه نیز ناامن است.

اما از سوی دیگر می بینیم که جنبش کارگری امروز وارد یک مرحله دیگر شده است، آشکارا اعلام میکند که دیگر هیچ بهانه ای نمیتواند آنها را از طرح مستقیم مثلا افزایش دستمزدها منصرف کند. اشاره من به مبارزه کارگران تفت است. در این مورد چه میگویید؟ منظور آن از رکود چیست؟

بله درست است. اساسا بعد از جنگ مبارزات کارگری از حالت دفاعی قبل در آمده و حالت تعرضی تری بخود گرفت. آن بهانه هایی که بوسیله آن رژیم میکوشید از اوچگیری خواسته های کارگری جلوگیری کند، از بین رفت و دوران آن به پایان رسید و دوران جدیدی آغاز گردید. بعد از ختم جنگ طبیعتا کارگر راحت تر میتواند خواسته های مشخص خود را مطرح کند و متعرض باشد. در مورد رکود اشاره ام به چیز دیگری است، ببینید هر کالایی وقتی تولید میشود باید مصرف کننده ای داشته باشد. بخشی از جامعه باید بتواند این کالاها را مصرف کنند. حال اگر این امر صورت نگیرد، روشن است که تولید میخوابد. مساله اینجاست که قدرت خرید جامعه پایین است. بنابراین بران از همین جا ناشی میشود. تولیدات کارخانه ها در انبارها جمع شده و اخراج و بیکاری و تعطیلی کارخانجات مطرح میشود. بعنوان مثال کارخانه های ایران کاوه، مزدا، زامیاد، چپ لندنرو، پارس الکتریک و داروسازی را میتوان نام برد. مدتی است که کارگران داروسازی را با دادن مرخصی روانه خانه هایشان میکنند. به آنها گفته اند یک ماه بروید مرخصی، اگر توانستیم مواد اولیه از خارج وارد کنیم میتوانیم بکارتان ادامه دهید و گرنه نخواهیم توانست به تولید ادامه دهیم. و در کل تولید کارخانجات بسیار پایین آمده و بازار بورس نیز وضع بدی دارد. سهام کارخانجاتی که قبلا در بازار بورس خرید و فروش میشد ثبات ندارد. حتی در کارخانجاتی که کارگران آن سهام کوچکی مثلا حدود ۲۰۰ تومان خریداری پیدا میکنند. بطور مثال قیمت یک سهم که در کارخانه پارس الکتریک ۹۱۰ تومان بوده اکنون به ۷۰۰ تومان رسیده و این سهام حتی نتوانسته بهمان قیمت اولیه ای که به کارگران فروخته شده، فروش رود. کارخانجات دیگر نظیر فیلکو، اونیورسال، مینو و غیره نیز همین وضع را دارند.

سال ۷۱ طرح مستقیم افزایش دستمزدها، محور مبارزات کارگری در ایران بود. هم اکنون که به پایان سال نزدیک میشویم و تعیین حداقل دستمزد سراسری کارگران برای سال ۷۲ در دستور شوراهای کار قرار میگردد، چه بحث ها و زمزمه هایی در میان کارگران وجود دارد. خود شما در این رابطه چه فکر میکنید؟

در رابطه با مسئله دستمزد صحبت های زیادی بین کارگران هست. بخصوص بعد از طرح هماهنگی حقوق کارکنان دولت که منجر به افزایش حقوق کارمندان شد و یا

وضع هر روز بدتر میشود. علاوه بر خواست افزایش دستمزدها کارگران چه مطالبات دیگری را مطرح میکنند؟

خواستهایی چون افزایش حق مسکن، حق خواربار، طرح طبقه بندی مشاغل و دیگر دریافتی ها در میان کارگران مطرح است که باز به همان خواست افزایش دستمزد ربط پیدا میکند. اما از خواستهای دیگری که در این دوره میتوان گفت بصورتی برجسته بین کارگران مطرح است یکی خواست جلوگیری از بازخرید و اخراجهایی است که بدنبال اوضاع اقتصادی کنونی در پیش است. در یکسری از کارهایی که سخت و زیان آور اعلام شده اند طبق قانون در بازنشستگی هر ۲۰ سال سابقه کار، ۳۰ سال کار به حساب می آید و کارگران پیگیرانه این حق خود را خواهند. بحث دیگر بهبود وضعیت بیمه و درمان کارگران است. کارگران میگویند با اینهمه حق بیمه ای که از کارگران گرفته میشود وضع درمان چزا باید چنین ناسامان باشد و این پولها صرف بهبود شرایط کارگران نمیکرد. بیمه چه حقی دارد و از کدام کارگر اجازه گرفته که میخوابد پول کارگران را برای سود آوری سرمایه بکار بیندازد. از جمله اخیرا سازمان تامین اجتماعی اکثریت سهام کارخانه پارس الکتریک را خریداری کرد. کارگران میگویند پس سود این سرمایه گذارها به کجا میرود! یک مساله چشمگیر دیگر در میان کارگران خواست حق تشکل است. کارگران امروزه واقعا به ضرورت این امر پی برده اند و مثلا میگویند کاش ما نیز مانند کارگران معادن انگلیس تشکلهایی داشتیم تا به این کارفرماها می فهمانیم که دنیا باید چه طور باشد. خلاصه اینها رئوس خواستهای کارگران است.

خواست ۳۵ ساعت کار تا چه حد در میان کارگران پیشرو مطرح است و نظر خود شما چیست؟

بگذارید در پاسخ به این سوال یک ویژگی کارگران ایران را برای شما مطرح کنم و آن اینست که کارگران ایرانی خیلی از خواستهای هم طبقه ای هایشان را در سراسر جهان، از اعتصاب معدنیچیان انگلیس گرفته تا کارگران آمریکا و فرانسه و کانادا و ژاپن و خیلی جاهای دیگر را دنبال میکنند و کارگر ایرانی نمیتواند از مسائل کارگری جهانی بی تفاوت بگذرد. و در این رابطه بخصوص وقتی خواست ۳۵ ساعت کار در آلمان مطرح میشود کارگر ایرانی هم آنرا دنبال میکند و از این مساله استقبال میکند و از خودش میپرسد: ما چه موقع به این روزها میرسیم که ما نیز خواست ۳۵ ساعت را در ایران به کرسی بنشانیم؟ خواست ۳۵ ساعت کار خواست قلبی کارگران است. محیط کار آنچنان غیر انسانی و شرایط کار آنچنان سخت است که هر کارگری خود را مثل یک زندانی میداند و میخوابد هرچه زودتر از این شرایط رها شود. وقت کارش به پایان رسد. و این وضع خیلی خواستها را برای کارگر مطرح میکند. علاوه هم اکنون بیکاری زیاد میشود. جمهوری اسلامی بیکاری را به زیاده جمعیت و روند رشد آن ربط میدهد، اما کارگر فوراً به این فکر میکند که کم شدن ساعات کار باعث میشود که بخش زیادی از جمعیت بیکار شاغل شود و کارگری هم که اکنون کار میکند اینقدر فرسوده نشود. و با همین استدلال ساده فوراً ۳۵ ساعت کار را یک خواست واقعی میداند و با اشتیاق مبارزه بر سر این خواست را در هر گوشه این دنیا دنبال میکند. اینها بحث های واقعی کارگران است. اگر امروز کارگران نمیتوانند رژیم را در برابر این خواست به عقب بنشانند، به معنی این نیست که کارگران اینرا نمیخواهند. بدون شک کارگران در مناسبتین فرصت این خواست خود را به پیش خواهند کشاند. همانطور که بسیاری از خواسته هایی که کارگران رادیکال - سوسیالیست در این دهه مطرح و روی آن پافشاری میکردند، در دراز مدت به شعار همه کارگران تبدیل شد و رژیم جمهوری اسلامی نیز به خیلی عقب نشینی ها وادار گردید. بنابراین اگر امروز این شعار بطور بالفعل

طرح نیست. دلیل نمیشود که ما آن را مطرح نکنیم. نقش کارگر پیشرو همین است. سیاستهای اقتصادی رفسنجانی چه تأثیری در وضعیت کارگران داشته است؟ برخورد کارگران با آن چگونه است؟ بخصوص اکنون که صعیت از یکسان سازی نرخ ارز میشود و در درون خود رژیم همواره از عواقب اجتماعی آن بحث است، انعکاس این بحث ها در میان کارگران چگونه است؟ و با توجه به سیاست تدریجی این یکسان سازی، تأثیرات آن در وضع کارگران چه بوده است؟

راستش سیاستهای اقتصادی رفسنجانی، کارگران را بیشتر به سوی فقر سوق داده است. و تمامی کارگران آنرا با پوست و گوشت خود لمس کرده اند. مواد غذایی بعد از ختم جنگ نه تنها ارزان نشد بلکه بالعکس هرروز به قیمت آن افزوده شد. قیمت مسکن روزانه بالا میرود و حدود ۷۰ تا ۸۰ درصد حقوق کارگران بابت آن میروند. قدرت خرید کارگران هر روز پایین تر آمد و شرایط کار فرساینده تر شده است. و رفسنجانی و دولتش همواره کوشیده اند که با وعده و وعده میگویند کار را چشم انتظار نگاه داشته و اعتراضات کارگری را کاهش دهند. در مقابل کارگران خیلی نگران این شرایط هستند. وقتی می بینند که مدیران کارخانه ها اعلام میکنند که با ارز ۱۴۰ تومان یا ۸۰ تومان تولیدات به چه قیمتی بیرون خواهد آمد و کارگر قدرت خرید آنرا نخواهد داشت و نیز می بینند که چگونه تولیدات در انبار ها جمع میشود و در بازار بفروش نمیرسد و هرروز خطر اخراج و بیکاری سازی آنها را تهدید میکند. می بینند که دستمزدها نیز همچنان کفاف زندگی شان را نمیکند و ارزش پولی هم که بدستش میرسد هر روز کمتر میشود، شرایط سختی را برای آینده اش می بینند و هیچ باوری به وعده و وعیدهای آنچنانی ندارد. از همین روست که یکی از نگرانی های رژیم در برنامه ریزی های اقتصادی و از جمله بحث یک نرخی کردن قیمت ارز مساله عواقب اجتماعی آن بوده است. چرا که با قطع شدن تدریجی سوسیدها کارگران باید اجناس را به قیمت بالایی از بازار خریداری کنند. کوبین را دارند از عرصه زندگی کارگران و در سطح جامعه حذف میکنند و این باعث بالا رفتن هزینه های زندگی میشود و قدرت خرید کارگران هر روز پایین تر می آید و فلاکت و بدبختی بیشتری را نصیب کارگران میکند.

امروز شوراهای اسلامی در چه وضعیتی قرار دارند؟ اجرای قانون کار جمهوری اسلامی چه تأثیری بر موقعیت آنها داشت؟ بحث های آنها با کارگران چیست؟ و برخورد کارگران با شوراهای اسلامی چگونه است؟

میتوان گفت بطور کلی شوراهای اسلامی در وضع بدی هستند. کارگران بطور جدی بحسابشان نمی آورند و اینها ارگانی هستند که مشاورت مدیریت ها را بهبود دارند و همیشه نقش ترمز کننده مبارزات کارگران را بر عهده داشته اند. از سوی دیگر شوراهای اسلامی باید خود را با مدیریت هماهنگ کنند و هر کاری که مدیریت به ایشان محول کرد انجام دهند و بایستی کلا از مدیریت تبعیت کنند. تازه بعد از تصویب قانون کار قدرت و اختیار آنها کمتر شد. چون آنها دیگر در هیئت مدیره نمایندگی ای ندارند و شوراهای اسلامی این موقعیت کلیدی شان را از دست داده و به سرنوشت انجمن های اسلامی دچار شدند. اجرای قانون کار موقعیت شوراهای اسلامی را بشدت متزلزل کرد و میتوان گفت باری کار آمدن رفسنجانی و در دست گرفتن قدرت توسط جناح او و نیز پس از اجرای قانون کار شوراهای اسلامی جایگاهی را که قبلا داشتند از دست دادند. همیشه تلاش شوراهای اسلامی این بوده که مبارزات کارگران را به سازش بکشاند و حرف آنها همیشه توجیه سیاستهای رژیم بوده است. اما شوراهای اسلامی تشکل آبرویافته است و بین کارگران هیچ بردی ندارند.

هم اکنون بخش زیادی از مراکز کارگری در ایران به بخش خصوصی واگذار شده

است. این امر چه تغییراتی در محیط ها و مراکز کارگری ایجاد کرده است؟ و آیا این امر بر موقعیت شوراهای اسلامی تأثیری داشته است؟

خصوصی شدن کارخانجات باعث تغییر و تحولات زیادی در کارخانه ها شده است. شدت کار بالا رفته و طرحهای جدیدی در دست است که تلاش آن سردآور کردن کارخانجات بهر شکل ممکن است. در این میان شوراهای اسلامی نیز کاملاً تضعیف شده و با خصوصی شدن بخش زیادی از کارخانجات دست و بال مدیریت برای اجرای سیاستهای خیلی باز شده است. بعد از خصوصی شدن کارخانجات کلا همیشه این زمزمه بوده که بطور مثال فلان صاحب کارخانه ای که میخوابد سرکار بیاید گفته: من هر کس را بخواهم اخراج میکنم و دوباره کارخانه را آنطور که دلم میخواهد سازمان میدهم. تعداد زیادی آدماهای بیکاره هستند که وجودشان ضروری نیست. این پول هدر دادن است و سوددهی را پایین می آورد و کارخانه ضرر میدهد و غیره. آنها بعضی جاها این کار را کرده و تعدادی کارگر را از کار بیکار کرده اند. اما در کل با دولت به سازش و تفاهم رسیده اند که تا حدودی شکل سازمانی کارخانجات را دست نزنند تا یکمرتبه شوکی به کارخانجات وارد نیاید.

اجرای قانون کار جمهوری اسلامی چه تأثیری بر شرایط کار کارگران داشته است و برخورد کارگران با آن چگونه است؟

قانون کار جمهوری اسلامی بطور واقعی هیچ شرایط مناسبی برای کارگران بوجود نیاورده است. شاید بتوان گفت تنها خاصیت آن افزایش مرخصی کارگران بود که آتیم قبلا در خیلی جاها با فشار مبارزات کارگران تحمیل شده بود. قانون کار جمهوری اسلامی قانون بربریت است که به کارگران تحمیل شده است. این قانون دست کارفرماها را باز گذاشته تا آیین نامه های که میخوابند تنظیم کنند، کمیته انضباطی تشکیل دهند و با این کمیته هر طور که دلشان بخواهد کارگران را اخراج و جریمه و منتظر خدمت کنند. کارگران خیلی اوقات خودشان را با کارگران دیگر کشورها مثلا آلمان مقایسه میکنند و قانون کار جمهوری اسلامی را مسخره میکنند.

تأثیرات تحولات شوروی و اروپای شرقی بر ذهنیت کارگران پیشرو و فعالین کارگری چه بوده و کمونیسم چه جایگاهی در میان کارگران دارد؟

مسئله شوروی میان چپ غیر کارگری مشخص است. همه آنهاهایی که قبله شان شوروی بود از بین رفتند و به حاشیه رانده شدند. اما برای یک کارگر کمونیست اصلا بحث یک چیز دیگر است و هیچگاه شوروی را یک کشور سوسیالیست نمیدانسته که اکنون با فروپاشی آن افق خود را از دست دهد. اما در هر حال فروپاشی کمونیسم هم تأثیرات منفی و هم مثبت داشته است. تأثیر منفی آن تبلیغات بورژوازی علیه کمونیسم و تأثیر آن بر ذهن توده کارگران است و مثبت آن این جهت که دیگر جریانی که سالیان دراز بنام کمونیسم ذهن کارگران را مشوش میساخته چه بهتر که به بن بست کشیده شد و عمرش به پایان رسید. و این کمک میکند که کارگر کمونیست خود را خیلی راحتتر از گرایشات غیر کارگری متمایز کند و حرف خود را بزند. میشود گفت مساله شوروی برای کارگران کمونیست يك مساله کلیدی است. زیرا بالاخره در آنجا طبقه کارگری بقدرت رسید و بعد از بقدرت رسیدنش نتوانست اقتصاد سوسیالیستی را جا بیندازد. از این رو امروز وظایف سنگینی بر دوش ما کمونیستهاست. بایستی به يك انترناسیونال قدرتمندی دامن بزنییم و با جواب دادن به مسائلی نظیر اینکه از نظر ما، بلشویکها در آن زمان چه میبایستی میکردند، کار مزده چگونه لغو میشود و نیز دیگر معضلات ذهنی کارگران پیشرو، در مقابل موج حمله به کمونیسم بایستیم. کمونیسم در ایران نیز با جواب دادن به این مسائل میتواند خود را از دیگر گرایشات متمایز کند.

کارگران امروز

روسیه به کدام سمت می‌رود؟

روز دوشنبه ۲۹ مارس اجلاس فوق‌العاده کنگره روسیه بدون آنکه استیضاح یلتسین و خازبولاتف رای کافی بیاورد به کار خود پایان داد و حل بحران سیاسی روسیه به بعد موکول شد. درباره وقایع روسیه علی‌الوجه همکار کارگر امروز در ۲۷ مارس (شنبه شب) قبل از آنکه تصمیم کنگره روشن شده باشد با بوریس کاگاریتسکی یک مصاحبه تلفنی انجام داد که آنرا خواهید خواند.

بوریس کاگاریتسکی، متولد سال ۱۹۵۸، از چهره‌های سرشناس چپ در شوروی است. چندین جلد از کتابهای وی به زبان انگلیسی در غرب منتشر شده است و در میان روشنفکران چپ غرب چهره شناخته شده‌ای است. بوریس کاگاریتسکی در سال ۱۹۸۲ بعلت فعالیتش در نشریه "چرخش چپ" دستگیر و مدت ۱۳ ماه را در زندان گذراند. وی هم‌اکنون عضو شورای شهر مسکو و از رهبران و بنیانگذاران حزب کارگری روسیه است. (در شماره ۲۶ کارگر امروز مصاحبه دیگری با وی به چاپ رسیده بود.)



اتفاقات اخیر روسیه بر دنیا تاثیر بسیاری گذاشته است. رسانه‌های غربی این درگیری‌ها را بصورت مبارزه قدرت در بالا تصویر می‌کنند. تحلیل شما از این مبارزه چیست؟

آنچه در جریان است واژگونی و از هم گسیخته شدن کامل پروژۀ نئو لیبرال در روسیه است. البته رسانه‌های گروهی غرب میکوشند که این اختلاف رو به گسترش را بصورت تلاش کمونیست‌ها برای بازگرداندن کشور به شرایط پیشین تصویر کنند. این کاملاً اشتباه است. چرا که اکثریت پارلمان که اکنون با یلتسین مخالفت میکند، همان اکثریتی است که یلتسین را به قدرت رساند. کمونیست‌ها بخش کوچکی از این اکثریت را تشکیل می‌دهند. بخش عمده آنها دار و دسته خود او هستند که بالاخره متوجه شدند سیاست‌های یلتسین کشور را به ویرانی کامل می‌کشاند. بسیاری از گروه‌هایی که نخست از اصلاحات حمایت می‌کردند، اکنون شدیداً با آن مخالفتند. تکنوکرات‌ها، طبقه کارگر، سرمایه داران کوچک و حتی بخشی از سرمایه داران غربی در روسیه که بر این عقیده اند که در این شرایط نمی‌توان در روسیه سرمایه‌گذاری کرد و نمی‌توان سود برد، جزء مخالفین هستند. در نتیجه یک بلوک بسیار وسیع از تقریباً تمام نیروهای سیاسی خواهان این هستند که از دست یلتسین و رژیم فاسدش خلاص شوند. تنها مسأله‌ای که در شرایط حاضر نیروهای اپوزیسیون باید حل کنند اینست که از دست یلتسین خلاص شوند بدون آنکه کار به خشونت و جنگ داخلی کشیده شود. در کشوری که هنوز راهی برای حل بدون خشونت بحران ندارد، این یک مسأله اساسی است. تنها راه خلاصی از دست یلتسین انتخابات است. انتخابات بمعنای جمع کردن بساط دار و دسته یلتسین است.

بوریس کاگاریتسکی

به احتمال زیاد وی دوباره انتخاب نخواهد شد و دار و دسته‌اش دوباره به پارلمان انتخاب نخواهند گردید. پارلمان بسیار رادیکال تر و چپ تر خواهد شد. انتخابات برای یلتسین حکم فاجعه را دارد. پس از کنگره هشتم نمایندگان مردم، یلتسین برای یک دوره گزار اعلام حکومت ویژه کرد و بجای انتخابات پیشنهاد فراندوم داد. فراندوم در واقع راهی برای ممانعت از برگزاری انتخابات بود، چون سولات فراندوم بسیار ناروین است و دولت به دلخواه خود آنرا طرح می‌کند. فراندوم راهی برای ممانعت از انتخابات، که دولت از آن هراس دارد، می‌توانست باشد.

مناسبات مبارزات توده‌ای، مبارزه طبقه کارگر با مبارزه جاری چیست؟

باید بگویم که در شرایط حاضر اکثریت مردم کاملاً بی تفاوتند و سرخورده و مستاصل هستند. اکثریت طبقه کارگر با یلتسین مخالفت ولی نه اکثریت کنگره هم

می‌شود. دو جریان چپ در کنار هم وجود خواهند داشت. چپ جدید عمدتاً از حمایت کارگران ماهر، کارگران و آن بخشی از صنعت که پیشرفته تر و از نظر تکنولوژیک جلوتر است، برخوردار است. چپ جدید رابطه بسیار نزدیکی با اتحادیه‌ها دارد. اتحادیه‌ها و رهبری جدید آنها را که از قدیمی‌ها رادیکال تر هستند نمایندگی می‌کند.

اینطور گزارش شده بود که اتحادیه مستقل معدنیان تهدید کرده در حمایت از یلتسین اعتصاب سراسری اعلام خواهد کرد.

اتحادیه مستقل معدنیان یک گروه کوچک است که کارگران معادن سوآور را متشکل می‌کند. اینها توسط یلتسین فاسد شده‌اند. اینها بطور مثال در کوزباس حدود ۱۰ تا ۱۵ درصد کارگران را نمایندگی می‌کنند، در جای دیگر ۵ تا ۷ درصد. و در مناطق دیگر حضورشان مطلقاً ناچیز و قابل چشم پوشی است. اتحادیه اصلی، اتحادیه مستقل کارگران ذغال سنگ، که بزرگترین اتحادیه است، مخالف یلتسین است. این اتحادیه تهدید کرده بود که در صورتی که یلتسین شرایط دادگاه قانون اساسی را نپذیرد دست به اعتصاب خواهد زد. اختلافات جدی در میان معدنیان وجود دارد. اتحادیه مستقل معدنیان بعنوان ابزار دولت که توسط یلتسین و مشاورین نزدیکش چرخانده می‌شود نگرسته می‌شود.

ارتش کدام طرف است؟ جناح‌های درون ارتش کدامند؟

ارتش بی طرف است. ارتش از جهت گیری می‌ترسد، برای اینکه اگر حرکتی بکند، چند تکه می‌شود.

اگر یلتسین بروی چه اتفاقی می‌افتد؟ در اینصورت انتخابات جدید خواهیم داشت و احتمالاً "روسکوی" رئیس جمهور جدید خواهد شد، البته اگر پست ریاست جمهوری ملغی نشده باشد.

در نتیجه این فعل و انفعالات چه اتفاقی می‌افتد؟ آیا جنگ داخلی می‌شود؟

جنگ داخلی تنها در صورتی محتمل است که خود یلتسین بخواهد چنین جنگی را تحریک کند تا روند مبتنی بر قانون اساسی متوقف کند. وقتی دادگاه قانون اساسی تصمیمی می‌گیرد، چه شما از این تصمیم خوشتان بیاید چه نه، چه این تصمیم درستی باشد چه نباشد، هیچ مرجع دیگری نمی‌تواند این تصمیم را تغییر دهد. رای دادگاه قطعی است. می‌شود تعابیر مختلفی از این تصمیم ارائه داد، ولی نمی‌توان تغییرش داد. جالب اینجاست که یلتسین شخصاً تمام قضات را منصوب کرده است. او در وفاداری دادگاه قانون اساسی شک نداشت. به همین خاطر آنها از قدرت خارق‌العاده‌ای برخوردارند. حالا که آنها بر آن شده‌اند از قدرت خود علیه یلتسین استفاده کنند، یلتسین از نظر حقوقی کاری از دستش برنی‌آید. تنها راه، رها کردن هر نوع قانونیت و روند قانون اساسی است. در این صورت موقعیت جنگی بوجود می‌آید. تصور نمی‌کنم در شرایط حاضر چنین اتفاقی بیافتد، چون ارتش مخالف آن است.

بقیه در صفحه ۱۱.



بقیه از صفحه ۷

کارگران فولاد خشمگین از حکومت و کارفرماها

در میدان حضور داشتند، بیشتر از بقیه جلب توجه میکردند. در گوشه و کنار میدان، پلاکاردهای مختلف کارگران مناطق از براندنبرگ در شرق، راین هاوزن، هاگن، زیگن تا کارخانه‌های ذوب آهن در جنوب آلمان بچشم میخوردند. در گوشه و کنار شعارهایی علیه حکومت کهل بچشم میخورد. مانند: ما اجازه نمیدهیم بار بحران را بر سر ما بریزد آقای کهل! و یا به کهل شانس ندهید! (مثل شعار به ایدز شانس ندهید یا به نفرت شانس ندهید. شعارهایی علیه ایدز و یا خشونت علیه خارجیها). بر بالای سر کارگران در میدان شعار حزب سوسیال دموکرات توسط تعدادی بادکنک آویزان شده بود: "آلمان بایستی منطقه تولید فولاد باقی بماند". در همه میدان شعار کارگران فولاد منطقه روهر "آتش‌ها بطرف بن بچشم میخورد و نشان از تصمیم کارگران فولاد برای مقابله با طرحهای حکومت و کارفرماها بود. حدود ساعت ۱۲ دیگر میدان مملو از جمعیت کارگران با پرچمهای آبی. گ. متال، اوشی‌وی و سایر اتحادیه‌ها بود. درست ۵ دقیقه به ۱۲ زنگها بصدا درآمد و مراسم

متال که دنباله موضوع قبلی رهبری اتحادیه بود و اصولاً این گردهمایی را با هدف درخواست "کنفرانس ملی فولاد" فراخوانده بود، با سوت‌های ممتد و هو کارگران روبرو شد و کارگران خشمگین که بعد از ۳ تا ۴ روز راهپیمایی و طی مسافتهای زیاد از سراسر آلمان به تظاهرات آمده بودند، را پیش از پیش خشمگین و ناامید ساخت. اشتاین کولر در صحبتهای خود روسای کنسرنها را ملامت کرد که در سالهای طلایی از پیش بینی و تدارک برای روبرو شدن با دوران سخت غفلت ورزیده‌اند! سخنان او در مقام رهبر بزرگترین اتحادیه کارگری جهان کارگران را بیشتر عصبانی میکرد و حرفهای او را با سوتهای خود قطع میکردند. وی در بقیه صحبتهایش به زیر پا گذاشتن قراردادهای دستمزد در شرق و غرب آلمان اشاره کرد و آنرا غیر قابل پذیرش خواند. سخنران بعدی عضو هیئت رئیسه اتحادیه متال و مسئول بخش فولاد، دیتروولته بود. محور صحبت‌های او هم چیزی جز حفظ پایه‌های ملی فولاد آلمان و طرحی برای نجات آلمان بعنوان هسته تولید فولاد اروپا نبود. اما او در صحبتهای خود با اشاره به اینکه بحران فولاد، یک بحران فراکشوری و در سطح اروپاست و باید یک راه حل در سطح بازار

با خشم و ناامیدی کارگران روبرو شد و تعارض بین خواستههای توده‌های اتحادیه و کارگران را با رهبری بخوبی مشهود ساخت. کارگران در گفتگوها، شعارها و پلاکاردهایشان از اینکه "زیر حکومت باید آتش روشن کرد"، "به کهل شانس ندهید"، "به روسای کنسرنها اجازه نمیدهیم ما را وسیله جبران بحران نمایند" و غیره رادیکالیسم خود را نشان میدادند و خواستار اقدامات قاطع رهبری اتحادیه در مقابل تهدید بیکاری و تخریب محلهای کارشان بودند. در عوض رهبری اتحادیه به دامان حکومت و کارفرماها جنگ انداخته و ملتسانه از آنها خواستار پذیرش مسئولیت و برگزاری کنفرانس ملی فولاد بود. با وجود اینکه روز قبل وزیر اقتصاد آلمان در مصاحبه‌ای گفته بود که او هرگز برای برگزاری یک کنفرانس جنجال برانگیز فولاد، که تنها محل بحثهای زائد خواهد بود وقت خود را تلف نخواهد کرد! باز هم روسای اتحادیه خواستار برگزاری چنین کنفرانسی بودند و گویا این کنفرانس مانع از طرح اخراج فوری بیش از ۷۵۰۰ کارگر فولاد در راین هاوزن و دورتموند و زیگن و هاگن خواهد شد و یا اینکه جلوی بیکارسازی آینده ۳۰ هزار کارگر فولاد در آلمان را خواهد گرفت!

بعد از پیروزی، تی.دی.یو با مسائل جدید مواجه است

از نشریه: خلاف جریان، چاپ آمریکا
نویسنده: نیک دیویدسون، وی یکی از فعالین جنبش رفرم در اتحادیه رانندگان کامیون است.

رانندگان کامیون برای یک اتحادیه دموکراتیک (تی.دی.یو) یعنی جنبش رفرم توده‌های کارگر در میان سازمان بین المللی رانندگان کامیون (آی.بی.تی) به نقطه عطف تاریخی ای رسیده است. با پیروزی "ران کاری" در سال ۱۹۹۱ تعداد زیادی از اعضای تی.دی.یو به مقام های بالای اتحادیه انتخاب شده‌اند. فعالین رفرم که تا چندی پیش برای مدت ها از اهرم های قدرت دور بودند و "خارجی" به حساب می آمدند تلاش می کنند که از موقعیت خود در اتحادیه ای که به عنوان فاسدترین و محافظه کارترین اتحادیه آمریکا معروف شده است، به خوبی استفاده کنند.

همزمان، تی.دی.یو پس از پشت سر گذاشتن پیروسی دموکراتیزه کردن اتحادیه، اکنون تمام انرژی خود را متوجه ریشه مشکلات یعنی مبارزه علیه شرکت ها کرده است.

آخرین مجمع عمومی تی.دی.یو که اکتبر گذشته در سنت لوئیز برگزار شد موفق ترین نشست در تاریخ تی.دی.یو بود. تعداد زیادی از رانندگان در مجمع و جلسات بحث شرکت کردند و مسئله جنبش رفرم را مورد بررسی قرار دادند و درباره خطر دور شدن توده های کارگر از اتحادیه بخاطر انتخاب ران کاری بحث کردند.

اکثر اعضای تی.دی.یو میدانند که ران کاری به تنهایی نمیتواند وضعیت اتحادیه را درست کند یا به جنگ شرکت ها برود. اعضای تی.دی.یو خود پیشنهاد کردند که جناح رفرم اتحادیه به رهبری ران کاری باید تقویت شود. علیرغم همه مشکلات تی.دی.یو اصلی ترین موتور تغییر در اتحادیه است و نقش مستقل آن در سازمان سراسری اتحادیه رانندگان کامیون بارها مورد تاکید قرار گرفته است.

فعالیت های تی.دی.یو عمدتاً در دو عرصه بوده است. یکی رفرم در مکانیسم درونی اتحادیه و نزدیک کردن توده های کارگر در سیستم تصمیم گیری، ایجاد امکان بحث و مناظره علنی، و از بین بردن بوروکراسی حاکم بر اتحادیه که اتحادیه را برای دهها سال تحت کنترل داشته است. دیگری فشار برای اتخاذ موضع محکم تر علیه کارفرماها، تحمیل قرارداد و ایجاد همبستگی بین کارگران است.

موضع تی.دی.یو ارتباط برقرار کردن این دو عرصه بوده است: دموکراسی درونی به اتحادیه پرقدرت تر منجر میشود، و یک اتحادیه پرقدرت به دخالت توده های کارگر نیاز دارد. فعالیت سه سال گذشته تی.دی.یو بخاطر وقایع خارج کنترل تی.دی.یو عمدتاً بیشتر طرف "دموکراسی" معادله بوده است.

پیروزی در سطح سراسری
هنگامیکه دولت حمله خود به اتحادیه را تحت قانون "نقوذ تبهکاران و روابط با سازمانهای فاسد" (ریکو) آغاز کرد، تی.دی.یو از موقعیت به نفع توده های کارگر استفاده کرد.

تی.دی.یو از طریق همکاری قانونی با "ریکو" و سازمان دادن فعالین "رنک اند فایل" برای شهادت در جلسات دادگاه، و تماس های دیگر به شکل گیری توافق دولت و اتحادیه کمک کرد. نتیجه آن انتخاب نمایندگان (برای اولین بار) به اجلاس سازمان سراسری اتحادیه های رانندگان کامیون توسط توده های کارگر، و انتخابات مستقیم برای مسئولین سراسری اتحادیه بود.

تی.دی.یو از طریق همکاری قانونی با "ریکو" و سازمان دادن فعالین "رنک اند فایل" برای شهادت در جلسات دادگاه، و تماس های دیگر به شکل گیری توافق دولت و اتحادیه کمک کرد. نتیجه آن انتخاب نمایندگان (برای اولین بار) به اجلاس سازمان سراسری اتحادیه های رانندگان کامیون توسط توده های کارگر، و انتخابات مستقیم برای مسئولین سراسری اتحادیه بود.

سه سال بعد دوره فشرده ای برای شرکت موثر فعالین جنبش رفرم در پیروسی انتخابات بود. نتیجه آن پیروزی و انتخاب ران کاری بود. درجه موفقیت این فعالیت ها با تاثیر خوب آن بر اتحادیه - یعنی انتخاب رهبری صادق، و فعال که با سیاستهای خودخواهانه

رفرم در سطح مرکزی و سراسری تا کنون دستاوردهای انچنانی برای توده های کارگر بیار نیابوده است، خطر بی اعتمادی و گنجی در میان توده های کارگر وجود دارد که خود به کاهش بسیج لازم برای به آخر رساندن مبارزه منجر خواهد شد.

مسئولین ماهر و با تجربه سیستم قدیمی قدرت قابل ملاحظه ای دارند. از هر اشتباهی که رهبری جدید میکند، استفاده میکنند. اگر بین فعالین رفرم اختلاف بوجود آید یا در کارهایشان موفق نشوند، انتخابات بعدی دست رهبری سابق می افتد. خرابکاری توسط مسئولین قدیمی خطر



ران کاری در یکی از کمپینهای انتخاباتی خود

مسئولین گذشته فرق میکند- و همچنین با افزایش منافعی که فعالیت برای انتخاب ران کاری به تی.دی.یو داده است، اندازه گیری میشود.

تی.دی.یو اکنون یکی از بازیگران اصلی در سیاستهای سراسری رانندگان کامیون است. اعضای تی.دی.یو در هیات اجرایی اتحادیه پستهایی دارند و تعداد زیادی نیز خود را برای مقام اتحادیه ای در سطح محلی کاندید کرده اند. پیروزی ران کاری مباحث حول جهت گیری اتحادیه را به سمت تی.دی.یو سوق داده است. تی.دی.یو نظرات خود را در سطح مرکزی (رهبری) اتحادیه به گوش همه میرساند و خود را بعنوان "حزب دوم" بجای بوروکراسی "دولت تک حزبی" اتحادیه تثبیت کرده است.

علیرغم این پیروزی ها، مبارزه تی.دی.یو برای دموکراسی در اتحادیه به پایان نرسیده است. بالعکس، مسئولین قدیمی اتحادیه به شدت مقاومت میکنند و تا حدی نیز موفق شده اند. بخش اعظم اتحادیه های محلی، تمامی شوراهای کنفرانس های منطقه ای را در دست دارند.

بخش اعظم حق عضویت ها، سیستم خسارت قراردادهای، و بزرگترین صندوق حقوق بازنشستگی نیز در کنترل آنان است.

ران کاری میتواند تغییرات سازمانی ای بوجود بیاورد که در تقابل با خواسته های مسئولین قدیمی اتحادیه قرار خواهد گرفت ولی موفقیت توده های کارگر برای از بین بردن پایگاه سیستم قدیمی را تقویت خواهد کرد و متخلین جدیدی به اتحادیه سراسری جذب خواهد کرد.

حال چگونگی دست و پنجه نرم کردن ران کاری و جنبش توده های کارگر به نمایندگی تی.دی.یو با این مشکلات، نشان خواهد داد که آیا انتخابات تاریخی سال گذشته به ایجاد تغییرات اساسی منجر میشود یا فقط بهبودهای سطحی در اتحادیه سراسری بوجود می آورد.

مبارزه برای دموکراسی، یک نبرد مشکل است

پس از بسیج مبارزه توده ای برای از بین بردن یکی از سمجترین سیستمهای تک حزبی در جنبش کارگری آمریکا، فعالین رفرم خود را در موقعیت سختی می بینند. از بین بردن بوروکراسی سختتر از آن بود که تصور میشود.

برخی از فعالین جنبش شغلهای اداری پیدا کرده اند و مسائل و مشکلات روزانه زیرساخت به ارث رسیده آنها را از پایگاه توده ای شان دور کرده است. این ممکن است به تزلزل یا اتکا به سیستم قدیمی منجر شود. از طرف دیگر از آنجا که کوشش فعالین

دوره بازنشستگی برای مسئولین سراسر کشور (که اکثر از یک یا دو سیستم بازنشستگی برخوردارند) است. این ۵۰۰ میلیون دلار خود به تنهایی یک هفتم درآمد سالانه اتحادیه سراسری را تامین میکند.

بسیاری از اعضای تی.دی.یو از اینکه ران کاری از قدرت اساسنامه ای خود برای وارد کردن سیستم پستی رای گیری استفاده نکرده است ناراحتند. این سیستم تعداد رای دهندگان را افزایش میدهد و خطر تهدید را نیز از بین میبرد. بعلاوه پاییز گذشته، هنگامیکه فعالین رفرم خود را برای انتخابات در مناطقی که طرفداران ران کاری زیاد بودند، کاندید کردند، رئیس اتحادیه سراسری چنان موضع بیطرفی گرفته بود که بنظر میآمد که از مواضع پایه ای دور میشود.

بعلاوه، فعالین رفرم متوجه شده اند که اعضای اتحادیه چون در سطح سراسری از ران کاری حمایت کردند لزوماً در سطح محلی نیز به فعالین رفرم رای نمیدهند. تعدادی از کاندیدهای آنها در انتخابات محلی سال ۱۹۹۱ موفقیت خود را در اتحادیه هایی که از ران کاری دفاع میکردند از دست دادند.

دلایل متعددی برای این وضعیت وجود دارد. اولاً بسیاری از مسئولین اتحادیه ای بیشتر از اینکه برای شکست ران کاری مبارزه کنند برای حفظ موقعیت خود در اتحادیه تلاش کردند. دوماً، توده های کارگر به کسانی که در زمینه مذاکرات، خسارت و بازنشستگی کم تجربه هستند، اطمینان ندارند، حتی اگر از رهبری فعلی نیز ناراضی باشند. عدم تمایل ران کاری برای وارد کردن سیستم پستی رای گیری نیز وضعیت را مشکلتر کرد.

البته در مقایسه با سالهای گذشته تعداد بیشتری از فعالین رفرم در سطح محلی کاندید و انتخاب میشوند. آنها در نیمی از مناطقی که کاندید شدند به سمت کمیته اجرایی اتحادیه محلی انتخاب شدند. ولی نتایج انتخابات نشان داده است که کسب سمت های بالا در اتحادیه آنچنان ساده هم نیست. ماندن مسئولین سابق اتحادیه در سمت های خود ممکن است تاثیر محافظه کارانه ای بر رهبری ران کاری داشته باشد. این رهبری از نتایج انتخابات محلی این نتیجه را گرفته است که بهتر است پلی بین خود و رهبران سابق بسازد. برخی از هواداران ران کاری - بخصوص در شهرهای بزرگ با تاریخچه سلطه مافیای - نگرانند که ران کاری با سرعت لازمه به جنگ بازماندن های مافیای نیروی و در عین حال هزینه و پیروسی دخالت قانونی تصفیه اتحادیه را مورد انتقاد قرار میدهند.

دخالت دولت ادامه دارد

مسئله دخالت دولت در امور داخلی اتحادیه بحث برانگیز است. در سال ۱۹۸۹ نمایندگان دادگاه فدرال، قاضی دیوید اولستین، ۱۸۵ راننده کامیون را به همکاری با مافیای متهم کرد. ۶۰ نفر به جرم رابطه با مافیای اخراج شدند و ۷۷ نفر تعلیق شده یا مجبور شدند استعفا دهند. اداره ۹ اتحادیه از مسئولینشان گرفته شد و میلیونها دلار که دزدیده شده بود به صندوق اتحادیه برگشت.

طبق حکم دادگاه، کمیته ای بنام "هیات بررسی" (آی.آر.بی) تشکیل شد که برای همیشه امور داخلی اتحادیه رانندگان کامیون را بررسی کند. این کمیته شامل سه نفر میشود. یک نفر از طرف دادگاه، یک نفر از طرف اتحادیه و نفر سوم با توافق دو نفر اول و دوم انتخاب میشود.

دادگاه یک وکیل جمهوریخواه بنام فردریک لیسلی، که عضو هیات رئیسه آن هاوزز - بوش (یکی از کارفرماهای اصلی رانندگان کامیون) و همچنین عضو شرکت سرویس تحقیقات و امنیتی پینکرتون است (که سابقه ضد اتحادیه ای قدیمی دارد) را در این کمیته قرار داد. به وی اجازه و پول داده شده است تا فعالیت های آی.آر.بی را با دسترسی به خزانه اتحادیه بسط دهد. اولستاین شخصی بنام ویلیام ریستر که رئیس سابق آی.بی.آی و سیا است را بعنوان سومین عضو "بی طرف" کمیته انتخاب کرد. اتحادیه با شرکت وی موافق نبود. بدین ترتیب فقط یک نفر با رضایت اتحادیه در کمیته شرکت کرد.

ران کاری بدستی از شرکت ویستر انتقاد کرد ولی این قاضی ۸۲ ساله سریعاً با انتقاد به رهبری اتحادیه مبنی بر "وجود سابقه بد در از بین بردن فساد در اتحادیه" جواب ران کاری را داد.

ران کاری در چند ماه اول ریاستش یک "کمیته انضباطی" به موازات کمیته فوق تشکیل داد که صرفاً یک کمیته درون اتحادیه ای است. ران کاری این کمیته را بعنوان کمیته مقابل آی.آر.بی معرفی کرده و گفته است که با وجود این کمیته دیگر دلیلی ندارد که دولت از بیرون در امور داخلی اتحادیه دخالت کند.

مباحث جنبش رفرم درباره دخالت دولت به نظرات مختلف منجر شده است. برخی طرفدار نظر کلاسیک عدم دخالت دولت در امور داخلی اتحادیه میباشند، و اینکه "کمیته انضباطی" باید در عمل به کار خود ادامه دهد. نظر دیگر میگوید که از آنجا که آی.آر.بی میتواند مستقل از فشارهای اعمال شده از طرف رهبری سابق کار کند، به همان درجه هم بهتر میتواند ما را از دست عناصر فاسد خلاص کند.

مستقل از اینکه کدام نظر به اخراج عناصر فاسد منجر میشود، جنبش بر این مسئله توافق نظر دارد که تلاش ران کاری برای تصفیه اتحادیه به شرکت و دخالت توده های کارگر در اتحادیه، و تقویت جنبش رفرم در میان صدها هزار عضوی که در سال گذشته برای تغییر رای دادند، بستگی دارد. تی.دی.یو با رشد رهبری توده ای اش و رفرم در سطح محلی جزء جدایی ناپذیر این پیروسی است.

رانندگان کامیون برای یک اتحادیه مبارز

علاوه بر مبارزه برای دموکراسی بیشتر در اتحادیه، تی.دی.یو باید توجه بیشتری به مبارزه علیه کارفرماها کند. بسیاری از شرکت ها در تقابل با مبارزه جویی اتحادیه سراسری به اتحادیه فشار وارد کرده اند.

بطور مثال، یلو فرایت، یکی از بزرگترین شرکت های ترانسپورت و کامیون، در تقابل با موضع سازش ناپذیر اتحادیه در اوایل ۱۹۹۲، در جنوب رانندگان غیر اتحادیه ای استخدام کرده است.

یکی از وظایف مهم تی.دی.یو، بدون فراموش کردن فعالیت برای دموکراتیزه کردن اتحادیه، رهبری مبارزه برای مواضع پیشرو و ارتقا آگاهی توده های کارگر است.

مبارزه علیه روسا همیشه جزئی از "خصوصیت تی.دی.یو" بوده است. اکثر اعضای تی.دی.یو در پیروسی مبارزه علیه کارفرماها به این جنبش پیوسته اند. تعداد اعضای تی.دی.یو هنگام مذاکرات سه اتحادیه رانندگان کامیون، یوپی.اس و کارهول افزایش یافت. تی.دی.یو از نظر قدرت و اهمیت در اواخر دهه ۸۰ در پیروسی بسیج رای علیه قرارداد این سه اتحادیه بسط یافت.

نقش تی.دی.یو همراه با مذاکرات حول قرارداد سراسری تغییر کرده است. فعالین تی.دی.یو الان باید بجای مبارزه با رهبری سراسری اتحادیه و جلوگیری از سازش، در نقش مبارزین و سازماندهندگان کارگران برای مبارزه علیه کارفرماها ظاهر شوند. اولین نمونه این نقش جدید، اوایل ۱۹۹۲ در مذاکرات اتحادیه سراسری با شرکت های ترانسپورت آشکار شد.

قرارداد کارهول که ۱۷ هزار کارگر را دربر میگیرد و در ماه ژوئیه ۱۹۹۱ تمام میشد، تا اول فوریه ۱۹۹۲ که ران کاری انتخاب شد، گماکان اعتبار داشت. رهبری قدیم نتوانست قراردادی به امضا برساند که مورد قبول توده های کارگر باشد. مسئله اصلی مذاکره تلاش شرکت ها برای استخدام کارگران غیر اتحادیه ای بود. (ایجاد شرکت های دختر بدون اتحادیه و انتقال کارگران متشکل به این شرکت ها.)

رهبری جدید موضع سخت تری در جلسات مذاکره اتخاذ کرد، و علیه شرکتها کمپین راه انداخت. این مبارزه شامل بسیج اعضا و جمع آوری امضا، انتشار مرتب بولتن خبری برای مطلع کردن اعضا، و حمله به شرکت کارهول (رایدر) شد. همزمان، اتحادیه سراسری اقدامات لازم برای اعصاب عمومی را مهیا کرد.

کار زنان و کودکان

نقض حقوق کار در
ماکیولا دوراس هندوراس

کارمن پورتیلو ۵ ماه در مجتمع نساجی اسپی هندوراس کار کرده است. این مجتمع در چیپ کولوما، در یک پارک صنعتی که توسط ۷ کارخانه با صاحبان کره‌ای اداره میشود و در سال ۱۹۹۰ در منطقه تجارت آزاد هندوراس مستقر شد، قرار دارد. کارمن بخاطر مقاومتش علیه اذیت و آزار جنسی از طرف مسئولش اخراج شد. ایرما مالینسی بعد از اینکه کتکش زدند، خود استعفا داد. ایرما ۱۹ سال دارد. این مجتمع دارای ۹۰۰ کارگر است که فقط ۵۰ نفر از آنان مرد می باشند. اکثر کارگران دختران بین ۱۲ تا ۱۵ ساله هستند.

از نشریه: مولتی نشنال مونیتور، چاپ آمریکا

چه نوع اذیت و آزار جسمی در کارخانه های این منطقه صورت میگیرد؟

کارمن پورتیلو: با کارگران مثل حیوان رفتار میشود. کارگران هنگام کار با فریاد "سرعتر، سرعتر" مواجه اند و دائما کتک میخورند. اگر کارگری نتواند کاری را سریع انجام دهد، مدیر مربوطه سر کارگر را از پشت میگیرد و به ماشین چرخ خیاطی می کوبد. به زبان کره ای به ما فحش میدهند که ما هم چیزی نمی فهمیم.

کارگران (دختر) بخاطر نیازی که به کار دارند، مجبورند این وضعیت را تحمل کنند. آنها باید خرج مادر و خواهر و برادرهای خود را بدهند. بسیاری از کارگران مدت زیادی است که در این مجتمع کار میکنند و نمیخواهند به اجبار استعفا دهند و مزایای خود را از دست بدهند. اگر کسی عصبانیت خود را نشان دهد، او را کتک میزنند و روی دستگاههای کارخانه می کوبند. اگر کسی را در حال گریه کردن ببینند، به او می خندند.

اتاقی وجود دارد که کارگران، بخصوص کودکان را به آنجا می برند و بدون اینکه کسی ببیند کتک میزنند. یکی از بازرسان معمولا با قیچی کارگران را تهدید می کند که اگر برای کسی تعریف کنند که کتک خورده اند، صورتشان را زخمی میکند. من خودم شخصا این نوع اذیت و آزار و همچنین آزار جنسی را در این پارک صنعتی تجربه کرده ام.

آیا کارگران مرتباً مورد اذیت و آزار جنسی قرار دارند؟

ایرما مالینسی: تووژ: ماه مارس کارمن در بخش بسته بندی شروع کرد. بازرس بخش، آقای پاک، هر روز پیش من می آمد و می گفت: "شیطون بلا، شیطون بلا، قراره از من حامله شوی". وقتی هر روز این برنامه ادامه داشت، تقاضا کردم که به بخش اوبراتوری منتقل شوم. بازرس بخش قبلی سعی کرد که از انتقال من جلوگیری کند. بالاخره منتقل شدم و بعنوان

بقیه از صفحه ۱۰

روسیه به کدام سمت
میرود؟

تغییرات قانون اساسی چه اهمیتی برای کارگران دارد؟ اگر قانون اساسی تغییر کند بر سر حقوق کارگران و فعالیت های سوسیالیستی چه خواهد آمد؟

در حال حاضر این مساله برای مردم اهمیت دارد که چگونه می توان پرورده باصطلاح رفرم را متوقف کرد، برگرداند و از اول

پورتیلو: ۸ حمام برای ۹۰۰ نفر وجود دارد. توالتها خراب هستند. حمام ها بینهایت کثیفند و باعث شده اند که تمام کارخانه بوی تعفن بدهد. بازرسان میگویند که "چرا باید آنها را تمیز کنیم؟ این شما هستید که توالتها و حمام ها را کثیف کرده اید".

ساعات کار و دستمزدها چگونه است؟

پورتیلو: ما از ساعت ۷:۳۰ صبح تا حداقل ۶:۳۰ عصر کار میکنیم. بعضی وقتها تا ۸:۳۰ شب هم کار میکنیم. ۴۵ دقیقه وقت استراحت ناهار داریم. شدت کار زیاد است و دستمزدها پایین. دستمزد هفتگی حدود ۱۳۱ لپیپراس (۲۲ دلار آمریکا) است.

تووژ: تعطیلات نداریم. وقتی در خط تولید کریستینا کار میکردم تقاضای دو روز تعطیلی برای معالجه کردم. کریستینا قبول نکرد ولی من خودم به سر کار نرفتم. وقتی برگشتم از دستم خیلی عصبانی بود و مجبورم کرد که از یک دستگاه به دستگاه دیگر بروم و نتواستم کارم را بخوبی بکنم.

آیا از شما انتظار میروند که هر روز یک مقدار معینی کار کنید؟

تووژ: مدیریت سهم بالایی تعیین کرده است. کارگران نمیخواهند شغلایشان را از دست بدهند و برای همین آقدر کار می کنند که به سهمیه تعیین شده برسند.

مدیریت سهمیه را با ۵۰۰ کت در روز شروع کرد و سپس آنرا به ۶۰۰ رساند. وقتی من از آنجا رفتم سهمیه به ۱۰۰۰ کت در روز رسیده بود. اگر کارگری نتواند بدلیل خرابی دستگاه و یا سستی کار به این سهمیه برسد، آنگاه بازرسان او را به دفتر میبرند و کتک میزنند و فحش میدهند: "دزدها، ما داریم به شما زیادی پول میدهیم". به ما می گویند که کارخانه بخاطر پرداخت دستمزدها در حال ورشکستگی است. با ما طوری رفتار میکنند که انگار تنبل هستیم در صورتیکه چنین نیست و اکثر کارگران به شدت کار میکنند.

آیا به کارگران بیمه پزشکی یا مزایای دیگری تعلق میگیرد؟

پورتیلو: اسپی هندوراس از کارگران مبلغی برای بیمه اجتماعی میگیرد ولی هیچ خدمات پزشکی نمی دهد. اگر کارگری مریض شود یا هنگام کار صدمه ببیند، به او میگویند: "بهرت است که بمیری".

وقتی بازرسی متوجه می شود که یکی از کارگران حامله است، به او کار سنگین میدهد، مجبورش میکنند که استعفا بدهد یا بدون پرداخت مزایا اخراجش میکنند. بدین صورت از پرداخت حقوق دوره بارداری خلاص میشوند. دو ماه بعد از استخدام از کارگران زن آزمایش حاملگی میگیرند. اگر جواب آزمایش مثبت باشد، او را اخراج میکنند. بعضی از کارگران دور شکم خود کمربند می بندند که حاملگی شان را تا ماه هشتم پنهان کنند. وقتی بازرسان متوجه بارداری می شوند، میگویند: "بیمه دوره بارداری زیاد است و کارخانه ورشکست میشود". زن حامله را به بیمارستان میفرستند و ۴۰ روز تعطیلی به او میدهند.

شرایط درون کارخانه چگونه است؟

شروع کرد. به این علت که الان همه و حتی اقتصاد دانان طرفدار دولت هم می دانند که ادامه رفرم، به اینصورت که تا حالا پیش رفته، منجر به فاجعه می شود. در نتیجه مهمترین مساله بهم زدن رفرم است. البته نه اینکه به دوران برژنف برگردیم، که از نظر تکنیکی هم غیر ممکن است. به این خاطر که شرایط عوض شده است. باید اصلاحات دیگری را در دستور بگذاریم.

در این روند، طبقه کارگر که عمدتاً در اتحادیه های بزرگ متشکل شده نقش بسیار مهمی دارد و احتمالاً به طرق معینی نقش رهبری بعهده خواهد داشت. یکی از چند نتایج مثبت اصلاحات بازار این بوده که مردم شروع به درک منافع خود کرده اند، متوجه نیازهای خود شده اند، و دشمنان خود را شناخته اند. به این ترتیب فشار زیادی بر اتحادیه ها برای رادیکال شدن

بدین صورت مدیریت مجبور نیست پولی بابت مزایای بارداری بپردازد.

آیا تلاشی برای تشکیل اتحادیه شده است؟

پورتیلو: رئیس جمهور، کالیاس گفته است که هیچ اتحادیه ای در منطقه آزاد، اجازه فعالیت ندارد. کارگران هم از ترس از دست دادن شغلایشان یا قرار گرفتن در لیست سیاه نمیتوانند فعالیتی را سازمان دهند.

کارگران حتی برای بحث حول مسائل اجتماعی نمیتوانند دور هم جمع شوند. اگر مثلاً گروهی از زنان قرار سفر دو روزه به کنار دریا بگذارند، بازرسان فکر میکنند که کارگران میخواهند برای تشکیل اتحادیه جلسه بگذارند. بدون تحقیق و پرس و جو کارگران را تهدید به اخراج میکنند. به همین دلیل گسی در محیط کارخانه تجمع نمیکند.

از آنجاییکه اجازه تشکیل اتحادیه نداریم کسی هم نیست که از کارگران دفاع کند. میتوانیم به اداره کار شکایت کنیم ولی کسی به شکایاتمان ترتیب اثر نمیدهد. کمیتهای ما این ادارات را خریده اند. در نتیجه اکثر کارگران مجبورند این بیعدالتی را تحمل کنند.

قبلاً گفتید که کارگران بخاطر مبارزه علیه بیعقوقی در لیست سیاه قرار میگیرند. آیا هیچکدام از شما در لیست سیاه اسپی هندوراس هستید؟

پورتیلو: وقتی من اخراج شدم، به وزارت کار رفتم و از اینکه شرکت مزایای مرا نمیداد، شکایت کردم. وقتی مدیریت فهمید که من سر و کله ام در وزارت کار پیدا شد، خیلی عصبانی شد. میشل، که کره ای است، گفت که در لیست سیاه هستم. بعداً متوجه شدم که درست میگوید زیرا وقتی به کارخانه های دیگر برای کار رفتم، جواب رد گرفتم: "تخیر، میبخشید، نمیتوانیم به شما کار بدهیم". در صورتیکه کسان دیگری که همان روز به کارخانه رجوع کرده بودند استخدام شدند.

اسم مرا در لیست سیاه گذاشتند که نتوانم در هیچ کارخانه ای در منطقه تجارت آزاد کار پیدا کنم. وقتی یک کارگر در لیست سیاه است دیگر شانس دیگری برای کار ندارد.

چطور شد که شما کارتان را از دست دادید؟

پورتیلو: مدتی قبل از اینکه اخراج شوم، بازرس بخش چندین بار میخواست مرا کتک بزند. روزی که اخراج شدم، تعدادی از کت ها از روی میز افتادند. بازرس بخش به بازرس کره ای گفت که من آنها را ریخته ام که حقیقت نداشت. حتی نمیدانستم که کت ها زیر میز بودند. بازرس کره ای، سارا، بطرف دستگاهی که من کار میکردم آمد و گفت: "چرا کت ها را انداختی؟" همزمان دستهایش را بلند کرد که مرا کتک بزند. دستش را گرفتم و گفتم: "تخیر، نمیگذارم مرا کتک بزنی". خیلی عصبانی شد و فریاد زد "برو دفتر".

در راه دفتر به من حمله کرد. با عصبانیت به کره ای چیزهایی میگفت که من نمی فهمیدم. یک مشت توی سینم ام زد و دستم آچاری که در دست داشت را به سرم کوبید. نگهبان آمد و پرسید "چه خبر است؟" من

آنها چیست؟

آنها از جانب بازنشسته ها حمایت زیادی می شوند، و از جانب کارگران ساده و همینطور از طرف عقب مانده ترین مناطق کشور. چپ قدیم دارد احیاء می شود. و چپ جدید دارد ظهور می کند. به این علت که یک جهت گیری عمومی به سمت چپ وجود دارد و چپ قدیم هم از آن متأثر می شود و قدرت می گیرد.

موقعیت ناسیونالیست ها چگونه است؟

باید منتظر انتخابات شد. فکر نمی کنم آنها موفقیت زیادی در انتخابات داشته باشند. آنها دارای یک پایه اجتماعی وسیع نیستند و لذا از نظر انتخاباتی ضعیفند ولی از نظر تحرک و فعالیت قوی هستند. آنها یک هسته و مرکز فعال دارند که از

گفتم: "من کاری نکردم و سارا مرا میزند." نگهبان گفت: "برو توی دفتر تا مشکل را حل کنیم".

وقتی وارد دفتر شدم، رئیس بخش کارگری گفت: "استعفا بده". کارخانه ترجیح میدهد بجای اینکه کارگران را اخراج کند کاری کند که کارگران خود استعفا بدهند تا از این طریق مجبور نباشد خسارت به آنها بپردازد. من قبول نکردم و گفتم: "اگر آقدر از من بدتان می آید، اخراج کنید. من یکی حاضر نیستم استعفا بدهم". رئیس کارگری سپس گفت: "پس برو دیگه. این تو هستی که باختی".

تووژ: من استعفا دادم. یک روز در خط تولید ما کار نبود و به ما کار مرتب کردن، تا کردن و روی هم چین کت ها را دادند. مشغول کار بودیم که ناگهان تعدادی از کت ها افتاد. بازرس خیلی عصبانی شد. ما هم مجدداً آنها را تا کردیم. ولی کت هایی که من تا میکردم افتادند. بازرس محکم با مشتش به شانه های من زد. آقدر مرا کتک زد که با حالت نیمه بیهوشی روی کت ها افتادم. بعد گفت: "گورتو کم کن".

وقتی به رئیس کارگری رجوع کردم، گفت که کاری نمیتواند بکند زیرا بازرس که مرا کتک زده بود فقط برای یک دیدار کوتاه به کارخانه آمده بود. میدانستم که اگر آنجا بمانم تا موقعیکه استعفا ندهم، بازرسان مرا اذیت میکنند.

وقت ناهار به وزارت کار رفتم. با بازرس کار به کارخانه برگشتم. بعد از اینکه بالاخره مزایا و خسارت گرفتم به کمیته برای دفاع از حقوق بشر در هندوراس رفتم. این کمیته دارای بخش های محلی در سراسر هندوراس است و نقض حقوق بشر را ثبت میکند و کلاسهای آموزشی دارد.

خسارت و مزایایی که اسپی هندوراس نمیخواهد به شما بدهد، چیست؟

پورتیلو: من ۵ ماه در آنجا کار کردم. از نظر قانونی باید ۹۰۰ لپیپراس که شامل حقوق یک هفته اول کارم است و معمولاً تا موقعیکه کار کارگر تمام نشده توسط کارفرما نگه داشته میشود، به من داده میشود. اسپی هندوراس گفت که چیزی به من نمیدهد. شرکت همیشه اتهام میزند که کارگر خود داوطلبانه بیکار شده است و پولی نباید بپردازد.

از همان روز اول با ما بد رفتار کردند ولی الان حتی بدتر هم شده است زیرا میدانند که کسی از ما دفاع نمیکند. وزارت کار ادعا میکند که به کارگران کمک میکند، ولی دست آخر کمی نصیب کارگران نمیشود. وزارت کار به نفع شرکتها و به ضرر کارگران کار میکند.

یکی از اقوام من در وزارت کار، کار میکند و به همین دلیل بر خلاف سایر مردم، من نتوانستم کمک بگیرم. بعد از ۳-۴ ماه، شرکت پیشنهاد کرد که ۵۰ درصد مزایا و خسارت را میپردازد، ولی من قبول نکردم. بالاخره ۷۵ درصد خسارت را دادند به شرطی که چیزی درباره اتفاقاتی که افتاده بود، نگویم و کاری نکنم که موقعیت کارخانه به خطر افتد.

بعد از وزارت کار به کمیته دفاع از حقوق بشر رفتم. مسئولین کمیته به حرفهای من درباره بی عدالتی ای که در کارخانه اعمال میشود، گوش دادند.

فعالین مستاصل و سرخورده جنبش یلتسین تشکیل می شود.

سرمایه داران همه جهان به حمایت یلتسین آمدند، این مساله را چگونه ارزیابی می کنید و تاثیر آن در روسیه چگونه است؟

برای روسیه این هیچ معنایی ندارد و هیچ چیز را تغییر نمی دهد. فقط یلتسین را تضعیف می کند. ولی فکر می کنم که این مساله درس خوبی برای غرب در بر دارد. این معضل ما نیست که کلیه سیاستمداران طرفدار قانون اساسی صراحتاً از روش های مخالف قانونی اساسی و غیر قانونی برای حل بحران دفاع کردند. این معضل غرب است. این درس خوبی است که ببینیم بر سر دموکراسی غربی چه آمده است.*

Layoffs in Iran's steel works and struggle for unemployment insurance

Mostafa Saaber

The Isfahan steel mill's plans to lay off 20,000 workers in the next five years has also, ambiguously, raised the question of what is to become of these workers once they lose their jobs (see WT 32). There is no talk of unemployment benefit, redundancy payments, or a clear future.

"Private service companies have been formed, with the help of the Steel Mill, to absorb the 20,000 workers who will be made redundant as a result of the modernisation", said Ahmad Sadeghi, managing director of the steel mill, following the deal last November in Vienna with the Austrian firm Faust Alpine. But what are these 'private service companies'? Is this a kind of employment and a secure future for the workers who are to be laid off?

The past record of these companies says otherwise.

From 'workers production co-ops' to 'private service companies'

In 1980 when the government was going to make thousands of job cuts in Ahvaz steel industry, it put forward a plan called 'workers' production co-ops'. Then the government managed to convince the workers to buy the idea that in this way workers become 'their own boss; the co-op is their own, and so are its products'. But these co-ops very soon went bankrupt: the workers lost their jobs, and also their last savings.

About a year later the government tried to introduce the plan - i.e. redundancy in the name of

building co-ops - in the Steel Mill. But precisely because of the earlier experience, workers refused to accept it and the plan was aborted.

Three years later, determined to go ahead with the shedding of thousands of jobs in the construction section, the government re-introduced the old plan under a new name: the so-called *Sherkati-kardan*, literally meaning 'turning into companies' - a kind of contracting out. The plan called for the setting up of companies, with the capital and management provided by the steel mill's construction workers themselves - most of them skilled workers. These companies would not only take out contracts from the steel mill's construction section, but also from anyone outside the mill who needed their services. It was all too clear that the plan only meant the shedding of 18,000 construction workers' jobs. They responded by going on a month-long strike, joined actively by the workers of another section of the plant (*Bahrebardari*). The strike brought the government to its knees.

The 'private service companies' which are being offered today as 'solutions' to the redundancies, are just continuations of the previous plans. As in those occasions, also this time the government and the mill's management refuse to accept any responsibility for the redundancies they are undertaking. The most they are prepared to do is to be so good as to 'help' the workers set up their own private service companies!

One of the differences between the job cut plans this time and

those in the past is that this time the government is making no attempts to disguise the fact that the plans only mean layoffs; and this was spelled out by the steel mill's chief himself. Secondly, the government's current plans affect not only the construction workers but also workers from the *Bahrebardari* section, as the plans to reduce the workforce is part of the modernisation and new-technology plan in the whole steel works.

Private service companies and unemployment insurance

A point to be noted in the statements by the steel mill's chiefs is that there is absolutely no mention of the Unemployment Insurance Law, which is supposed to apply precisely in such cases.

The Islamic Republic government has a legislation on unemployment insurance according to which workers who have been made redundant can, with the approval of the labour ministry, receive unemployment benefit amounting to between 55 and 80 per cent of the last wages, for a period of 30 months for single workers, and 50 months for married workers. This legislation was introduced only as an attempt to defuse the labour protests against the 1985/86 redundancies. As five years on since the adoption of that legislation, and despite the massive revenues flowing into the coffers of the Unemployment Insurance Fund (from the receipts of 3% of the wages, from the 2.5m insured workers), only a few thousand, out of the millions of jobless in the country, have been entitled to this insurance, and that only for brief periods.

Why has the Islamic government not offered the workers unemployment benefit instead of the plan of the so-called private service companies? The answer may simply be that the labour minister, who has been sitting on the unemployment insurance funds, is not prepared to share this with the ministry of heavy industries. Another reason may be that the workers themselves would not accept it as an alternative to their jobs, since they already know what this insurance scheme means in practice, the legal and bureaucratic obstacles of getting entitled to it, its meagreness and the short time during which it is paid. By the idea of private service companies the government is looking for a more effective and a cheaper way of keeping the workers occupied.

This idea that it is all about finding a cheap way out is strengthened once you consider that the plan of private service companies is also silent on the question of redundancy payments. According to Article 24 of the Islamic Republic Labour Law, when an employer terminates the employment of a worker, he must pay a compensation equivalent to two months' wages for each of the worked years. With 20,000 steel workers' jobs on the line - most of them with work records of over ten years - the redundancy payments would be very large. Is it the intention with the plan of 'private service companies' that it saves this money for the government?

...

Solidarity with Iranian workers

WT News Service:

Unions in Denmark and the women's section of the Austrian Trade Union Federation, in letters of protest to Iran's embassies, condemned the repression against the labour movement in Iran.

In Denmark, following the activities of the Committee of Solidarity with Iranian Workers, the Danish Unskilled Workers Union, SID, the Typographers Union and the Danish construction workers' union, in separate letters to the Iranian embassy, denounced the violation of workers' rights in Iran. The SID called on the Foreign Committee of the Danish Parliament to raise the situation of Iranian workers on an international level.

In Canada, following activities

by the Iranian-Canadian Labour Solidarity Committee (ICLSC), the London Local of the Canadian Union of Postal Workers, in a letter to the ILO, called on this organisation to bar the Iranian government's Islamic Councils from the ILO Conference.

In Austria, the women's section of the Austrian Trade Union Federation (ÖGB) in a letter to the Iranian embassy protested at the denial of rights to women in Iran. In part of its letter, it said, "The segregation of men and women takes place even in the workplace. Women's wages are lower than those for men, and in hiring and firing women are discriminated against and driven out of the workplace".

Iranian-Turkish Workers' Solidarity Committee formed

WT News Service:

The Iranian-Turkish Labour Solidarity Committee (ITLSC) was recently formed. The Committee has affiliated to the International Committee of Solidarity with Iranian Workers which was built last August. The ITLSC, which is to announce its formation formally on May 1st, provided *Worker Today* with the communiqué of its formation, the text of which we publish below:

Communiqué on the formation of Iranian-Turkish Labour Solidarity Committee

The Iranian working class is deprived of its basic rights - in particular the right to organise and strike. To win these rights, Iranian workers are struggling against the reactionary and religious government in Iran under difficult conditions. One of the aims of the Committee is to denounce these conditions and express solidarity with the struggle of the Iranian working class. Towards this end, and to defend the growing working-class movement in Turkey, the Iranian-Turkish Labour Solidarity Committee works for the following objectives:

- 1- to exchange information about the working and living conditions, and the struggles, of the working class in Iran and Turkey;
- 2- to exchange experiences of struggle of the working class in both countries;
- 3- to initiate solidarity and support, and participate in the working-class struggles in the two countries.

To work in a co-ordinated way for the above goals, the Committee affiliates to the International Committee of Solidarity with Iranian Workers.

Iranian-Turkish Labour Solidarity Committee
Coordinator: Reza Shahrestani
1/5/1993

ISSN 1101-3516

کارگر امروز
فتریه انترناسیونالیستی کارگری
WORKER TODAY
An International Workers' Paper

Editor: Reza Moqaddam

English Section: Bahram Soroush
Address: W.T., Box 6278, 102 34 Stockholm, SWEDEN

Subscription Form

I would like to subscribe to *Worker Today* for a period of
 Six months One year
 Please send my *Worker Today* and bills to the following address:

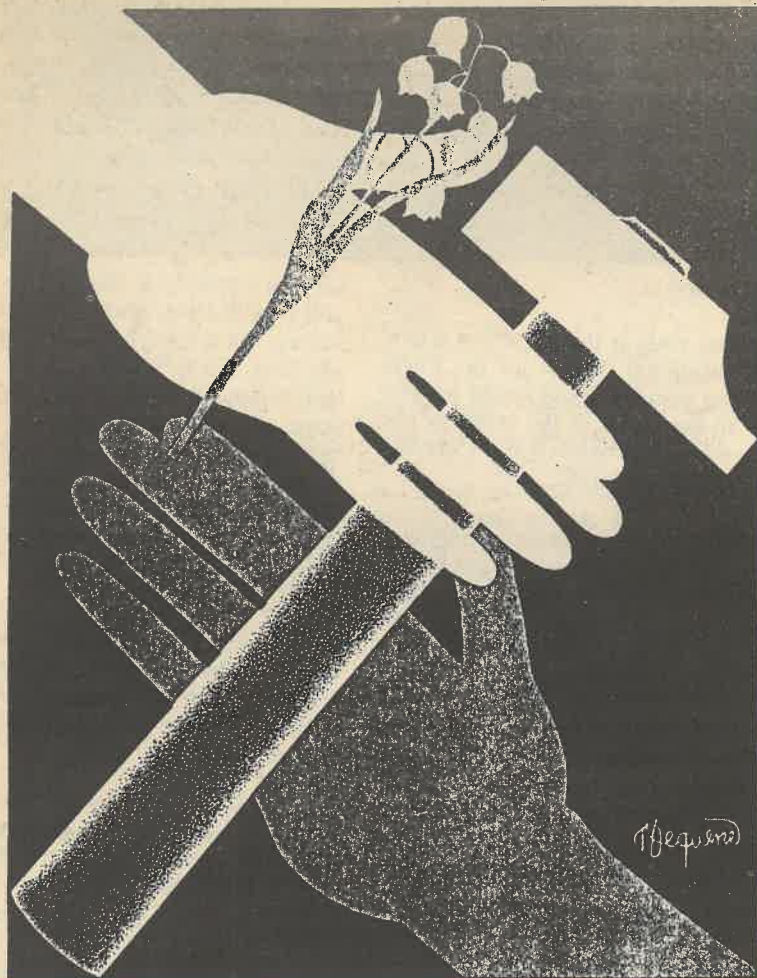
Mr/Ms/Institution _____
 Address _____
 Postcode _____ City _____ Country _____

Subscription Rates

<i>Europe</i>	<i>Eisewhere</i>
1 Year SKr140	1 Year SKr210
6 Months SKr80	6 Months SKr120

■ Institutions double the rate.

■ All prices include p&p.



L'organisation du Travail
ALBUM du 1^{er} MAI
 1932  Prix: 4fr.50

May Day album from Brussels, 1932

Which way's Russia going?

Interview with Boris Kagarlitsky

The extraordinary session of the Russian Congress of People's Deputies ended on Monday 29 March without being able to resolve the question of Yeltsin's censure. On the Saturday before, Ali Javadi, Worker Today co-worker in the US, talked to Boris Kagarlitsky about these developments and the crisis in Russia. Boris Kagarlitsky, who is a deputy to Moscow City Soviet, is a leading socialist from Russia and a founder of the Russian Party of Labour. He is the author of a number of books, including *The Thinking Reed* and the *Dialectic of Change*.



Worker Today: The outcome of the recent events in Russia has a great impact on the world. The Western media portray these conflicts as a power struggle mainly occurring at the top. How should we understand these crises? What is your analysis of the struggle we are witnessing?

Boris Kagarlitsky: What is happening is the total collapse and total disintegration of the neo-liberal project in Russia. And, of course the Western media tries to portray the growing opposition as a new communist [revengist] force which tries to get the country back to the old times. This is completely wrong. The parliamentary majority which now opposes Yeltsin is exactly the majority that brought him to power, and the communists form a very tiny part of this parliamentary majority. Most of the people who oppose him are just people from his own team who finally realized that his policies are leading the country to a total disaster.

Also, there was a very visible erosion of the social basis of the reform, as quite a lot of the social groups which originally supported the reforms now oppose them in a very vigorous way. This is typical of the technocrats, it is definitely typical of the working class, and it is also typical of the small entrepreneurs - the small business people - and even certain sectors of the western business community in Russia, who just say that in this situation you cannot invest, you cannot make any good profits, it's too corrupt, and so on.

In this situation there is a very broad bloc of almost all the political forces to get rid of Yeltsin and his corrupt regime. The only problem which the opposition forces now have to solve is how to get rid of Yeltsin without at the same time provoking violence and civil war in the country. This is still a big problem in the country which has no real ways of resolving such political crises without violence. In this situation the only possibility to get rid of Yeltsin is to have an election. Having an election means that Yeltsin's team is going to be completely wiped out, and most probably he is not going to be re-elected as the president. His people are not going to be re-elected in the next parliament. So, the next parliament would be much more radical, and much further to the left...

What happened was that while Yeltsin tried to change the situation right after the Eighth Congress of the People's Deputies: Now that early elections had to be prepared, for Yeltsin that was a catastrophe. That's why he tried to change the

situation, announcing a special rule for a transitional period. He in fact proposed a referendum instead of elections which was a way of blocking the election. This was because the referendum - with the questions being very unclear and also being manipulated by the government, and so on - was a way of avoiding the elections - the multi-party election - which the government was extremely afraid of.

What is the relationship of mass and working class struggle and the present conflict that we are witnessing?

Most of the population is now completely apathetic, disillusioned and frustrated. The great majority of the working class opposes Yeltsin, and at the same time is absolutely not sympathetic towards the current majority of the People's Congress, for the obvious reason that this is a part of the Yeltsin team which is in revolt. His people do not represent their [the workers'] interest. There is a growing tendency to get rid of both elites - the Yeltsin elite, and the part of the elite which is now revolting against Yeltsin. That was also one of the reasons why the Congress of People's Deputies was not so fast in proclaiming the new elections, since they had a feeling that these elections were not only dangerous for Yeltsin, but also there were certain dangers for them.

The trade unions now have a very clear position, because, on the one hand, they demand early elections immediately, and, on the other hand, they demand a stop to the neo-liberal reform and what the left now calls the new reform, meaning that privatization is to be mostly stopped and even reversed; that the public sector enterprises be restructured and turned into the main locomotive of economic development, with probably some private sector also contributing to the economic development. They also demand the abolition of the so-called 'social reforms' of the current period with the destruction of social guarantees, public health care and public education. In that sense, there is a very dramatic shift to the left in the position of the unions; now they have turned very radical. At the same time the unions now help the left-wing groups to build a credible left-wing force which is now absent from the scene; this is now being formed under the banner of the so-called Coalition of the Left and the Party of Labour as the central element of this coalition. At the same time there is a growing presence of the traditional Communist Party around Zuzanov - the leader of the party.

So I have a feeling that in the coming period we will have just

two lefts in Russia: one more traditional, which would be a major factor in the political life. There is also a growing presence of the new left which is represented by the Party of Labour and the Coalition of the Left. Both types of left are going to co-exist, at least for the time being, with the new left appealing mostly to skilled labour, to workers, to certain particular sectors of industry which are most developed, most technologically advanced. The division is quite visible. The new left is closely connected with the unions; it is very much representing the unions, the new leadership of the unions which is more radical than the old ones.



In the west it was reported that the Independent Union of Miners has threatened it would call for a national strike in support of Yeltsin.

Of course. The Independent Union of Miners is a very small group which organises mostly miners in the profitable mines, which are absolutely [corrupted] by Yeltsin. In for example the Kuzbas region they represent something like 10-15 per cent of the miners; in Vorkuta they represent probably 5-7 per cent; and in other areas their presence is absolutely negligible. The main union which is called - it is difficult to translate into English - the Independent Union of Coal Miners, which is the biggest union, is most radically against Yeltsin. It was also threatening to go on strike if Yeltsin did not accept the conditions of the Constitutional Court. There was a very serious confrontation in the mining community. Already it is quite clear who is winning and who is losing. So the Independent Union of Miners is seen exactly as just a governmental tool which is manipulated by Yeltsin himself and his closest advisors.

Whose side is the army on?

What are the fractions within the army?

The army is neutral. They're just afraid of moving, because if they move they'll split.

What happens if Yeltsin goes?

Then we'll have new elections and Ruskoi probably would be the next president, if the post of president is not abolished.

What do you see as the possible outcomes? Do you expect any civil unrest, a civil war?

The only possibility of civil war is if Yeltsin especially provokes a civil war to stop the constitutional process... You see, when you have a Constitutional Court, whether you like the verdict or not, whether it is correct or not, there is no other level to change the decision. This decision is absolutely final. So the only possibility is that you can make different interpretations of this decision. It's funny, because Yeltsin personally nominated most of the judges... He was absolutely sure in the loyalty of the Constitutional Court. That is why they have enormous power. Now that they have started to use this power against him, legally Yeltsin cannot do anything against them. The only possibility is to abandon any legality, any constitutional process at all. For that you can create a war situation. I don't think it will happen now, because the army is

active. In the current parliament the unions are almost unrepresented; the left is almost unrepresented; the working-class people are completely unrepresented. If you get a new parliament they will be more represented. On the other hand, we must understand that there is a situation where there is almost no activism right now; almost no working-class activism is visible.

Why is that?

People are frustrated, and they do not see any political force to identify with. But this is going to change, if the situation changes. Politically, these forces are just in the making.

How do you explain the re-strengthening of the former Communists in Russia? What is their social base?

Well, ... they get a lot of support from pensioners, from unskilled workers and from the most backward regions of the country. That phenomenon of the old left is being revived, and we simultaneously have the emergence of the new left and the revival of the old left. Because the general shift to the left affects them as well, they are also getting stronger.

How is the situation of the nationalists?

We have to wait for the elections,

against it.

But what is the impact of a constitutional change for the working people? What would happen to the rights of the workers and socialist activists if the Constitution is changed?

[The problem] for the country now is how to stop and reverse the so-called reforms and to start from the beginning once again. Because, everybody now knows - even those among the pro-government economists - that the continuation of the reforms, as it is going right now, is leading to a total disaster. So the main point is to decompose the reform, but not to return to Brezhnev - which is technically impossible since the situation is different - and to form another package of reform. In this situation the working class, mostly organised in the biggest unions, is going to have a very important role, and probably in a certain way, a leading role, because just one of the few positive outcomes of the market reform is that people started to understand their interests, they started to understand what they really need, who their enemies are, etc. So in this case there is a great pressure on the unions to become more

because I think that they are not going to have a great electoral success - if we are going to have elections, that is. In terms of electoral support they are weak; in terms of activist support they are much stronger. Because, though they do not have a broad social base, they have an activist core, composed mostly of frustrated and disillusioned activists of the Yeltsin movement.

The bourgeoisie from all over the world have come to support Yeltsin. How do you see this process and the impact of this support?

For Russia it means nothing; it is not going to change anything in Russia; it can only weaken Yeltsin. But the other side of it is that this is, I think, a very good lesson for the West [... they came out] in favour of an attempted coup which failed. It is not a problem for us, it is a problem for the West. It is not our problem that most of the so-called constitutional politicians are openly coming out in support of unconstitutional and illegal ways of resolving the crisis. It is just a very good lesson showing what is happening with the Western democracy.

Islamic Councils are barriers to Iranian workers' struggles

Interview with Shahram Yusefi

Shahram Yusefi is an Iranian labour activist. On a recent visit abroad he talked to Shahla Daneshvar, Worker Today co-worker, about various issues of the labour movement in Iran. Excerpts:

Worker Today: How would you characterise the labour movement in Iran today?

Shahram Yusefi: Today the economy in Iran is in a bad shape; production is stagnant, and there is a recession. The situation [in the labour movement] is bad, and there is a climate of wait-and-see and confusion... Workers are worried about losing their jobs; the conditions are not secure even for capital. My impression of the labour movement at this point in time is that there is stagnation and a mood of wait-and-see and confusion among the workers.

But we are also seeing that the labour movement has entered a new period: workers are more persistent in their demands, and the demand for pay increases is widespread and is being raised more forcefully. Last year we had the oil workers' struggles, for instance. How do you explain these struggles? And could you be more specific on what you mean by 'stagnation'?

After the [Iran-Iraq] war, the workers' struggles broke their defensive shell and took on a more strident character. The government no longer had the excuses it had used to try to control the labour struggles, and a new period began. Of course, after the end of the war, workers could voice their demands more easily.

When I say 'stagnation', I am referring to something else. When you produce a commodity it has to have a consumer; a section of society should be able to consume it. If it doesn't get sold it is obvious that production will fall. So the problem is that society's purchasing power is too low, which results in recession. The commodities get stockpiled and factory shutdowns and layoffs begin. Examples of such plants in Iran right now are the auto plants Iran-Kaaveh, Mazda, Zamyad and Landrover-Jeep. Firms like Pars Electric and Daroosazi are also in the same situation. The workers at this last plant have been on a temporary layoff for some time now...

On the whole, industrial production has fallen sharply...

Last year the focus of workers' struggles was pay rises. As we are nearing the end of the current year, and as the level of the minimum wage for next year is soon to be decided, what are the discussions going on among the

workers right now? How has the government reacted to the feeling among workers on the wage issue, and what are your own thoughts on that?

A lot of things are being discussed among the workers on the question of pay. Especially, following the rise in the salaries of the civil servants and the doubling of salaries in the armed forces, the issue of pay increases is being widely discussed. There were also rumours going around about impending big wage hikes, which in themselves indicate the sensitivity of the question of pay.

During last year workers fought for pay rises and for increases in other parts of the wages - like housing benefit, for example. In the General Motors workers are now receiving a 30,000 rial housing benefit. In many other workplaces too workers have won increases in the housing benefit. In Landrover-Jeep 20,000 rials a month are paid in addition to the base pay. Here the workers threw in a lot of pressure to get a rise in the benefit. They were saying, 'You can't even rent a room anywhere in Tehran with 60,000 or 70,000 rials; the housing benefit is not enough'. As is usual in such struggles, the Islamic Councils jumped in; they called for a ceiling of 50,000 rials in the housing benefit, and tried to put a brake on the struggles... The managers were saying, 'We have to work within the framework of the labour law; we understand your problems but we have no choice'. And the government says, 'We know that the workers' wages are low compared to the rate of inflation, but after eight years of war, and with so much destruction, the priority is with reconstruction; if we improve the industry, we can reduce our dependency on outside, jobs will be created, inflation will fall and everyone's situation will improve; so we should all work for that and be satisfied with less! All these are justifications that the government is using to resist the workers' fight for higher pay...

What other demands, other than pay, are being raised?

There are demands for higher housing benefit, essential-foods assistance, a wage gradation scheme, etc. But one of the most important issues at this point in time is resistance to the redundancies and layoffs that are on the way as a result of the current economic situation.

[Another issue concerns retirement.] By law, when deciding the age of retirement for workers in

jobs which have been classed as harsh and harmful, each 20-year work period is counted as 30 years' service. So workers have been insisting that this be enforced. Another issue is the question of health insurance. Workers are asking why health care should be in such a shambles despite all the insurance money that is taken from the workers; what right does the Insurance [Organisation] have, and when did they ask workers' permission, to use workers' money to make profits for capital? Recently, the Social Security Organisation bought majority share in the Pars Electric company. Workers have demanded to know where the profits from all these investments end up!

Another crucial demand is for the right to organise. Workers have now truly understood the significance of this demand. For example, some workers say if they only had organisations like those of the British miners they would make the bosses understand what the world should be like.

How far has the demand for a 35-hour week gained acceptance among active workers? What is your own view on that?

Let me first point out a characteristic of the labour movement in Iran. Iranian workers follow many of the demands taken up by their fellow workers around the world... The Iranian worker can't be indifferent to the international labour issues. So, especially when a demand like the 35-hour week is raised in, for example, Germany, the Iranian worker pays attention to it and welcomes it... They are for a 35-hour week; it is their wish. The workplace is so inhuman and the working conditions so severe that every worker feels like a prisoner wanting to escape from these conditions as soon as possible; they want the working day to end as early as possible... Also, there is now high unemployment. The Islamic Republic government blames the unemployment on population growth, but workers know that a shortening of the working week would create jobs for a large number of the unemployed and also relieve the workload for the employed workers who right now are being worn out from overwork. That is how workers reason. They regard this to be a realistic demand, and enthusiastically follow the news of the struggle over it around the world.

These are the discussions actually going on among workers, and if they can't yet force the government to yield to a 35-hour week it is not because they don't want it. Iranian workers will no doubt raise this demand at the best opportunity; just like the many other demands which radical-socialist workers raised and insisted on during the last decade and which later became the slogan of all workers. So if this demand has not yet specifically been put on the agenda, this is no reason for our not raising it. This is, anyway, what labour activists are supposed to do.

What has been the impact so far of the government's economic policies on workers' conditions? How have the workers reacted to them - particularly as they are now talking about going over to a uniform exchange rate system, and within the government there are debates about its social con-

sequences?

Well, Rafsanjani's economic policies have in fact impoverished the workers even more... After the end of the [Iran-Iraq] war, not only did foodstuffs not become cheaper but they actually went up in price. The housing rents have also kept rising on a daily basis, and around 70 to 80 per cent of workers' wage packet is spent on housing costs. Workers' purchasing power has fallen daily, and the working conditions have become harsher. By making promises, Rafsanjani and his government have tried to keep the workers hopeful and their protests at bay. But the workers are very worried about the conditions, especially as they see managers saying that [after the adoption of a uniform exchange rate] production costs would go up so much that workers won't afford them. They also see how goods are getting stockpiled in the warehouses, unsold; they see the growing threat of layoffs, the fall in the value of the money they get in wages... They see a bleak future ahead of them and are not taken in by such promises.

For this reason, one of the worries of the government in its economic plannings - including the plan to adopt a single exchange rate - has been the social consequences of the policies. With the gradual abolishing of the subsidies, workers are having to buy the goods from the free market at a higher price. The [essential goods] coupon system is also being scrapped, further adding to the costs and reducing the workers' purchasing power.

What is the situation of the Islamic Councils? In what way has the introduction of the labour law affected their position? And how do the workers view them?

We can say that on the whole they are in a pretty bad shape. Workers don't take them seriously. They are organisations working as advisers to the management, and have always played the part of a brake on the workers' struggles. On the other hand, they have to fall into line with the management, do whatever the management asks them and generally obey them. Since the introduction of the new labour law, their powers have diminished as they don't any more have representatives on company boards. They have lost this key status that they enjoyed before, and have ended up where the Islamic Societies did. We can say that with the consolidation of Rafsanjani's, and his faction's, position in power, and with the later introduction of the labour law, the Islamic Councils lost their former status. [These organisations] have always tried to make the workers compromise in their struggles; have always acted as apologists for the government's policies. They are disgraced organisations which have no influence among the workers.

A large number of the industries in Iran have already been transferred to private hands. How has this affected the conditions in the workplaces?

The privatisations have led to a lot of changes in the factories. There have been speedups, and there are new plans on the agenda aiming to

make the plants profitable in whatever way possible. The Islamic Councils have been completely weakened; the management now has a much freer hand in carrying out its decisions... There have been layoffs in some of the workplaces, but on the whole [the new owners] have reached an understanding with the authorities that they would not completely alter the organisational form of the factories, to avert a shock to them.

How have the conditions of employment been affected by the introduction of the labour law, and how do the workers react to it?

The Islamic Republic labour law has not in the real sense produced any improvement in the conditions for workers. You could say that its only use was the rise in the annual holiday. But even this had already been won by the workers in a lot of the workplaces. The IR's labour law is a barbaric law which has been imposed on the workers. This law has given the employers a free hand to draw up the statutes that they like, to set up disciplinary committees, and use such committees to fire, fine and layoff the workers. Many times workers compare their conditions with those in for example Germany and make fun of the IR labour law.

Let me turn to a different question. What has been the impact of the developments in the former Soviet Union and the Eastern Bloc on the labour activists in Iran? How influential would you say communist ideas are among workers?

The question of Soviet developments has been a problem for the non-worker Left. All those who looked up to the Soviet Union have now been marginalised, and are gone. But for the communist worker the question is completely different; he/she never saw the Soviet Union as a socialist country so that now to lose his/her perspective with the collapse of the Soviet Union.

Of course, this collapse has had both negative and positive results. Its negative effect is the bourgeoisie's propaganda against communism and the way this affects working masses. On the positive side, it was for the best that a force which for years confused the mind of workers in the name of 'communism' reached a dead end and finished. This helps the communist worker today to much more easily differentiate himself/herself from the non-worker tendencies... At the same time, the Soviet question is a key issue for communist workers, since the working class came to power there at one time, and later on did not succeed in implementing a socialist economy. So, as communists we have heavy tasks on our shoulders. We should work towards building a powerful International, and by answering such questions as what we think the Bolsheviks should have done at that time, how wage-labour is abolished, and other questions confronting labour activists, to stand up to the wave of attack against communism. In Iran too communism can differentiate itself from the other tendencies by coming up with answers to such questions.

IN BRIEF

Britain

The bitter strike at the Timex plant in Dundee, Scotland, has entered its fifth week. The company fired 320 workers for not agreeing to cuts in benefits, a pay freeze and layoffs, and is using replacement workers. The police arrested fourteen demonstrators on 22 March as strike-breakers were escorted into the plant. Over 7,000 people marched through Dundee in support of the striking workers. Timex has failed to extend an injunction which would have banned all meetings, marches and demonstrations held by the union within 50 yards of the plant.

Ecuador

One worker was killed, seven were wounded and 20 were arrested after the army clashed with oil workers in the Amazon region. The workers have been on strike since early February. The strike has shut down oil production completely.

Germany

Hundreds of thousands of workers took part in a series of demonstrations in various German cities from 23 to 26 March in protest against the planned massive job cuts in the steel industry.

Japan

Japanese giant telecom group NTT announced that it was cutting 30,000 jobs in the next three years. Meanwhile Nissan said that it would lay off 10 per cent of its 53,000 workforce in the next four years.

Support Worker Today

YOU CAN subscribe to
Worker Today and urge your
union branches to take up
subscriptions.

YOU CAN support us
financially and ask your
unions to make donations to
Worker Today out of their
assistance funds.

YOU CAN help distribute
Worker Today in your area.
YOU CAN give us technical
assistance, e.g. computer
hardware and software to
speed up and improve our
work.

YOU CAN send books and
journals to Worker Today
Book Club.

YOU CAN send us your
articles and reports.
YOU CAN introduce Worker
Today to colleagues and
comrades.

YOU CAN tell us your views
and suggestions about the
paper.

German workers strike for equal pay

'We metal workers are determined'

WT News Service:

Thousands of workers in eastern Germany took to the streets on 1st April to protest against the engineering employers' decision not to honour the wage parity deal agreed in 1991. IG Metall, the engineering workers' union, said that about 100,000 workers had walked out, with stoppages reported in more than 220 factories across the different states - according to a report in the *Financial Times* (2/4-93).

The wage deal, signed in 1991, is to bring the wage levels in the east up to west German levels by April 1994. According to the contract, the wages were to rise this April by 26 per cent, for engineering workers, and 21 per cent, for workers in the steel sector. The employers' decision to renege on the deal led to the break down of talks last month. "We have to show the employers that we will not allow them to break this contract reached in March 1991", said Michael Böhm, spokesman for IG Metall in Berlin. "The employers are determined to break the tradition of collective wage bargaining".

The wage levels in eastern Germany are still only 70 per cent of the western German levels, while the prices which the workers have to pay are at western levels.



Workers at an east Berlin company; up to 100,000 workers took part in the strike

Day of action against unemployment in Europe

WT News Service:

Workers across Europe stopped work and demonstrated on 2nd April in a day of action called by the European Trade Union Confederation (ETUC). The action was meant as a show of strength by European workers against the rising unemployment and the cuts in social services. 17 million people are currently out of work in the EC.

Italian workers stage a general strike

WT News Service:

Italian workers staged a four-hour general strike on 2nd April to protest against rising unemployment and the government's economic policies. The action affected airports, railways and public buildings - according to a report in the *Guardian* (3/4-93).

Called by Italy's three main trade union federations and a number of other unions, the strike was part of a European-wide day of action against unemployment. It was accompanied by a series of huge demonstrations in the various cities, the biggest of which, in Milan, attracted 70,000 workers. It

Norman Willis, president of the ETUC and also general secretary of the British Trades Union Congress, said the protest was "aimed at focusing public attention across Europe on the evils of mass unemployment, unacceptable working conditions and the growing threats from racism and xenophobia" - according to a report in the *Financial Times*.

coincided with new unemployment figures showing 200,000 jobs lost in Italy since November, bringing the unemployment total to nearly 11 per cent. The action was the 11th general strike in Italy in 12 years.

The night before, in Naples, fascist squads ransacked the headquarters of the Communist and Socialist trade union federations and the engineers' union offices. At a rally of 30,000 workers, union leaders said the attacks "were the start of an assault on democracy and on the workers, which the workers will resist at all costs".

British miners and rail workers in a one-day stoppage

WT News Service:

British rail, bus and mine workers staged a 24-hour strike on 2nd April. The strike by 60,000 Rail, Maritime and Transport (RMT) members stopped trains running on all but two of British Rail's lines - according to a report in the *Guardian* (3/4/93). Most of the 30,000 members of the National Union of Mineworkers also heeded a national strike call in protest at pit closures and job losses.

RMT leaders are to consider further stoppages in a campaign to get guarantees of no compulsory redundancies. Jimmy Knapp, general secretary of the RMT, which believes that up to 20,000 jobs could go as a result of the privati-

sations, said they "were heartened by the supportive attitude of the travelling public". The train drivers' union, Aslef, is also balloting its members on industrial action. The action by the London bus workers was the third stoppage over pay cuts and longer hours.

The strikes coincided with a day of action across Europe, called by the European Trade Union Confederation as a co-ordinated protest by tens of thousands of workers against unemployment.

At a rally in Barnsley, South Yorkshire, Arthur Scargill, the NUM president, called on the mineworkers to prepare for further strikes.

Which way's Russia going?

Interview with Boris Kagarlitsky

p.14

Layoffs in Iran's steel works and struggle for unemployment insurance

p.13

Islamic Councils are barriers to Iranian workers' struggles

p.15